

معرفی های اجمالی

ترقی و تعالی دین شناسی از این عنصر گران سنگ سودها ببرند و در فهم و تفسیر دین از این روش بی بدیل غفلت نکنند.

«بسته شدن باب اجتهاد که از خطرناک ترین حوادث تاریخ اسلام بود، چنان دامن محققان اهل سنت را گرفت که حتی هم اینک نیز بیشتر فقیهان و اصولیان آنان، تنها از شارحان و ناقلان سخنان پیشینیان خویش به شمار می روند و جرئت اندیشه ورزی و برگرفتن نظرگاهی برخلاف آنان را ندارند.»

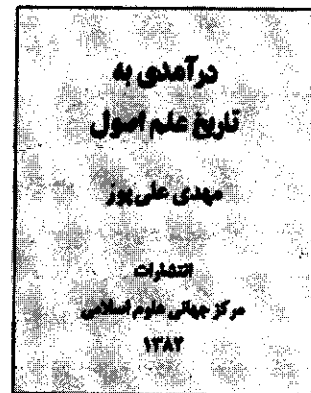
از نظرگاه نویسنده یکی از خطرهای بنیادینی که «اجتهاد شیعه» را تهدید می کند، توجه نداشتن و نشناختن «جایگاه اجتهاد» در علوم و در دین شناسی اسلامی به معنای خاص کلمه است. زیرا این امکان وجود دارد که آرام آرام با طرح پاره ای از شبهات در رد اجتهاد و به یک معنا افراط و تفریط در حق آن، این سفره گشوده و پر برکت از حوزه های شیعه برچیده شود. از این رو، باید به هوش بود و به تبیین هر چه دقیق تر این مهم پرداخت، باید اجتهاد را بسان موضوعی مستقل مورد پژوهش و تحقیق قرار داد و از آموزش آن غفلت نکرد.

در علم اصول، هم چون غالب علوم، زمینه های مختلفی برای کار و تحقیق و تفحص فراهم است که در سه شکل می توان آن را سامان بخشید:

۱. بسترهای پژوهشی که موجب ترمیم و تکمیل بنای علم اصول با طرح نظرگاه ها و اندیشه های تازه و بدیع می شود؛
۲. تلاش برای تصحیح و به معیار رساندن روش های آموزش علم اصول؛
۳. پژوهش تاریخی.

در این کتاب تنها به محور سوم پرداخته شده است. امروزه پژوهش تاریخی در یک علم، آن چنان از اهمیت برخوردار

درآمدی به تاریخ علم اصول، مهدی علی پور، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۸۲، ۵۱۰ ص، وزیری.



ضرورت جایگاه شناسی اجتهاد نه تنها امری پوشیده نیست، بلکه آشکارا از مهم ترین مسائل به شمار می رود. در این میان، یکی از مباحث اصلی که در جایگاه شناسی باید مورد توجه قرار گیرد، بحث از ابزار اجتهاد است. در این بحث است که عملیات استنباط در علم اصول به عنوان مهم ترین ابزار اجتهاد شناخته می شود. از این رو، بر محققان و مجتهدان دین شناسی فرض است که به این علم اهمیت بیشتر داده و به پژوهش های وسیع و عمیق در آن پردازند.

نویسنده محترم کتاب در دیباچه به پاره ای امور مهم از جمله اهمیت اجتهاد و جایگاه شناسی آن می پردازد. وی در این باره معتقد است:

«گشوده بودن باب اجتهاد در نظرگاه شیعه، یکی از ارزشمندترین ویژگی هایی است که این مذهب به آن آراسته است. بایسته آن است که دانشمندان و دین شناسان اسلامی برای

است که عده ای به تاریخی نگری کشانده شده و به تعبیری، به تاریخ زدگی مبتلا شده اند؛ یعنی تنها راه کمال و رشد یک علم را در پرتو پژوهش های تاریخی در آن می دانند. اگرچه این نظرگاه افراطی به نظر می آید، اما نپرداختن به کار تاریخی در علوم نیز به همان اندازه تفریطی است که موجب از دست رفتن ثمره های فراوان می شود.

نویسنده، کار تاریخی را عبارت از کاوش در بسترها، زمینه ها و علل پیدایش مسائل علم و چگونگی رشد آن، تحقیق در اندیشمندان علم، لب آثار و افکار آنان و میزان تأثیر اندیشه هایشان در پیشرفت علم، و شناخت سیر تطور علم در ادوار مختلف و بررسی شرایط و ظروف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، انگیزه های شخصی محققان و نهایتاً چگونگی تدوین و طبقه بندی مسائل علم مربوط، در طول تاریخ می خواند.

بنا به تحقیق مؤلف، پیدایش رسمی دانشی به نام «تاریخ اصول» از نیم قرن تجاوز نمی کند، و تنها در همین چند دهه اخیر بود که بحث تاریخ اصول و پژوهش در سیر تحول آن به عنوان مسئله ای مهم و دانشی که باید به آن پرداخت رسماً مورد توجه محققان اصولی قرار گرفت.

از دید وی محققان اهل سنت، اندکی پیشتر از اصولیان شیعه به این امر پرداختند و نوشته های مختصر و مفصلی در این زمینه تألیف کرده اند که به نام دو تن از آنان، یعنی استاد محمد ابو زهره (م: ۱۳۹۵ق) و دکتر شعبان اسماعیل (ت: ۱۳۵۹ق) از اساتید برجسته اصول و فقه در دانشگاه الازهر و دیگر دانشگاه های مصر اشاره می کند.

در میان اصولیان شیعه نیز از نخستین محققانی که به این مهم پرداختند، می توان از استاد شهید سید محمدباقر صدر، استاد محمود شهابی، آیت الله جناتی، دکتر گرجی و عده ای دیگر نام برد. پیش از اینان پاره ای از اصولیان در مقدمه کتاب های اصولی گاه به اختصار مطالبی در مورد تاریخ این علم می نوشتند که اغلب همراه با تحقیق ها و مستندهای کافی نبود، از این رو چندان قابل اطمینان نیستند. اهمیتی که امروزه به پژوهش های تاریخی داده می شود، سبب شده است که محققان اصولی نیز به کاوش های مستقل در تاریخ این علم بپردازند و برای ادعاهای خود شواهد و اسناد کافی فراهم سازند. پاره ای از این نوشته ها که حاصل این پژوهش ها است، به شرح زیرند:

۱. استاد محمود شهابی در آغاز درس های اصولی خود که در دانشکده حقوق دانشگاه تهران بیان می کرد، تاریخچه ای از این علم گفت. این تاریخچه در مقدمه کتاب «تقریرات اصول» او چاپ شده است.

۲. شهید صدر در تاریخ اصول رساله ای نوشت که در بخش نخست کتاب المعالم الجدیدة او چاپ شده است. وی اصول را در سه دوره بررسی می کند.

۳. دکتر ابوالقاسم گرجی رساله ای با عنوان «تحول اصول» نگاشت که ادوار اصول اهل سنت و شیعه را در نه دوره بحث می کند. بعدها همین رساله به عنوان ضمیمه کتاب تاریخ فقه و فقها چاپ شده است.

۴. آیه الله جناتی، از مدرسان حوزه علمیه قم، کتابی با نام ادوار اجتهاد تألیف کرد که در آن به تاریخ اصول نیز پرداخته است. این آثار اگرچه به عنوان نخستین تحقیقات رسمی در تاریخ اصول، ارزشمند و درخور احترامند، اما ضعف ها و کاستی های غیر قابل انکاری نیز دارند؛ مثلاً آنچه از استاد محمود شهابی در مقدمه «تقریرات اصول» آمده، اثری است شتابزده و فاقد تحلیل ها و تبیین های دقیق، افزون بر این که مدارک و منابع ادعاهای کافی نیست. کار شهید صدر، اگرچه قوی تر از کارهای دیگر است، اما تنها بخشی از قسمت اول کتاب مربوط به تاریخ اصول است و باقی مباحث مربوط به مسائل دیگری است که می توان آنها را تحت عنوان «جایگاه شناسی اجتهاد» آورد. از این رو در کار شهید صدر همه دوره ها به درستی و کامل بررسی نمی شود. تحول اصول دکتر گرجی نیز بسیار مختصر و تقریباً فاقد تحلیل است و در مواردی که تحلیل ذکر شده، همه برگرفته از شهید صدر در المعالم الجدیدة است. ادوار اجتهاد آقای جناتی اگرچه مفصل تر است، اما اختصاص به تاریخ اصول ندارد، بلکه در مورد ادوار اجتهادی است که پژوهشی اعم از پژوهش در تاریخ اصول است.

در نهایت نگارنده چنین اظهار نظر می کند: «حقیقت این است که پژوهش در تاریخ اصول هنوز در دوران نوزادی به سر می برد و سال ها زمان می خواهد تا به دوران بلوغ و پختگی برسد. از این رو، محققان اصول باید برای به کمال رساندن این امر تلاش بسیاری کرده و تحقیقات دامنه داری انجام دهند.»

بی شک فواید کار تاریخی چه در سطح آموزش و تعلیم این علم و چه در سطح پژوهش و تحقیق در آن، فراوان و غیر قابل چشم پوشی است و البته وضوح مسئله ما را بی نیاز از شرح و توصیف دوباره آن می سازد.

از دیدگاه نویسنده، در علم اصول مانند علوم دیگر، چهار گونه کار تاریخی می توان انجام داد که عبارتند از:

۱. تاریخ تطور و تکامل علم اصول (ادوار اصول)؛
۲. تاریخ دانشمندان و محققان علم اصول با توجه به حیات اصولی آنها؛

نیز رسماً با شیخ مفید آغاز می‌شود و با شیخ طوسی به اوج خود می‌رسد و با آمدن ابن ادریس پایان می‌یابد؛ یعنی کمی بیش از دو قرن به طول انجامید.

در ادامه، شخصیت‌های اصولی برجسته این دوره هم چون مفید، سید مرتضی، سلار دیلمی، شیخ طوسی شناسانده شده، آثار و لب‌افکار و اندیشه‌های اصولی آنان بررسی شده است.

در درس پنجم که به ادامه بررسی دوره دوم اختصاص دارد، این مباحث دیده می‌شود: نگاهی اجمالی به پس از شیخ طوسی: سدیدالدین حمصی رازی، ابن زهره، آثار مهم دوره دوم، افکار و اندیشه‌های اصولی رایج در این دوره، تبویب رایج در دوره دوم، ویژگی‌های مهم دوره دوم، نگاهی اجمالی به اصول اهل سنت در دوره دوم.

دو درس ششم و هفتم به باز شناسایی دوره سوم از ادوار اصولی اختصاص دارد. نویسنده از این دوره با نام «دوره تکامل از ابن ادریس حلی (۵۹۸) تا اوایل قرن یازدهم - ظهور اخباری‌گری» یاد کرده است.

وی در بازشماری عوامل پیدایش این دوره به سه عامل زیر اشاره کرده است:

۱. هجرت شیخ طوسی از بغداد به نجف و خام و جوان بودن شاگردان نجف؛

۲. آبهت و عظمت علمی شیخ طوسی؛

۳. رکود تفکر فقهی - اصولی اهل سنت.

در این دو درس به مباحث زیر نیز پرداخته شده است: شخصیت‌های اصلی دوره، کتاب‌ها و لب‌اندیشه‌ها و افکار اصولیان این دوره (ابن ادریس حلی، محقق حلی، علامه حلی، شهید ثانی، شیخ حسن صاحب معالم و شیخ بهایی)، مهم‌ترین کتاب‌های اصولی دوره، لب‌افکار و اندیشه‌های اصولی رایج در این دوره و پاره‌ای از نوآوری‌های آن، نگاهی به تبویب رایج در این دوره، اصول اهل سنت در این دوره، ویژگی‌های این دوره.

درس هشتم به تحقیق در دوره چهارم، یعنی «پیدایش و اوج اخباری‌گری و ضعف اصول»، اختصاص یافته است. در آغاز این درس، نویسنده نسبتاً به تفصیل به علل پیدایش مکتب اخباری‌گری و تحلیل و نقد آنها پرداخته، سپس اصول و بنیادهای تفکر اخباریان را بر شمرده است. نگاهی اجمالی به تفاوت اخباریان با اصولیان عنوان دیگری است که در این درس مورد بحث قرار گرفته است. در ادامه شخصیت‌های اصلی و برجسته اخباری، هم چون محمدامین استرآبادی (مؤسس مکتب)، فیض کاشانی، شیخ حر عاملی، میرزا محمد اخباری و شیخ یوسف بحرانی شناسانده شده‌اند.

۳. تاریخ تبویب در علم اصول؛

۴. پژوهش تاریخی در مسائل علم اصول.

بی‌تردید، کار تاریخی در هر یک از اقسام چهارگانه فوق کاری مستقل به شمار می‌رود و باید جداگانه مورد توجه قرار گرفته، تحقیق و تألیف مستقلی از آنها به عمل آید. نویسنده مدعی است که کار تاریخی در اثر حاضر، از قسم نخست، یعنی ادوار علم اصول است، اما این طور به نظر می‌رسد که این اثر فراتر از تاریخ تطور و ادوار اصول است، زیرا این نوشته در موارد بسیار، مطالبی بیش از توان کار تاریخی در ادوار اصول در خود نهفته دارد؛ یعنی در جاهای بسیاری از این کتاب مباحثی از سنخ کارهای تاریخی در قسم دوم و سوم و چهارم دیده می‌شود. به عنوان نمونه نگاه اجمالی به تبویب رایج در هر دوره و مقایسه آن با دوره‌های پیشین و پسین که در پایان هر دوره آمده، نمونه‌ای از کار تاریخی از قسم سوم است یا اشاره به مباحث و مسائل رایج در هر دوره و گاه تحلیل تاریخی پیدایش آنها، مثالی از کار تاریخی از نوع چهارم است.

کتاب به صورت درسنامه در پانزده درس و به سفارش مرکز برنامه ریزی و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی تنظیم و تألیف شده است. ادوار اصول فقه را در شش دوره بررسی نموده و در خاتمه نگاهی به اصول معاصر و کاستی‌ها و بایسته‌های آن دارد.

درس اول به تعریف و بیان موضوع و غرض علم اصول و تاریخ اصول اختصاص یافته است.

درس‌های دوم و سوم دوره اول علم اصول را برکاویده که نویسنده از آن با نام «دوره تأسیس» یاد کرده است. در این دو درس دیدگاه‌های مختلف درباره مؤسس و مدوّن علم اصول مطرح و ادله هر یک بررسی و مورد سنجش قرار گرفت. آن‌گاه بر نقش ائمه (ع) در تأسیس علم اصول و نقش اصحاب آنان در تدوین قواعد این علم تأکید و استدلال می‌شود. در ادامه به اولین اصولیان امامیه که تک رساله‌هایی در این زمینه نگاشته‌اند، اشاره و مهم‌ترین اندیشه‌های اصولی رایج در میان آنان تحقیق شد؛ در پایان هم مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره بیان شده است.

نویسنده در درس‌های چهارم و پنجم به دوره دوم از ادوار علم اصول می‌پردازد. این دوره که از سوی نگارنده، «دوره توسعه و تدوین‌های گسترده و کامل در اصول» نام گذاری شده است از اوایل غیبت کبری تا زمان ابن ادریس حلی (۵۹۸ هـ) را باز می‌شناساند. برای معرفی این دوره در ابتدا، نویسنده تحلیلی اجمالی از کیفیت پدیداری این دوره و بستر سازان آن، یعنی ابن ابی عقیل عمّانی و ابن جنید اسکافی ارائه کرده است. دوره دوم

مهم‌ترین کتاب‌های اخباریان، آثار مثبت و منفی اخباری‌ری، دو عنوان دیگری است که در این درس باز گفته شده است. یکی از ویژگی‌های بحث از مکتب اخباری‌گری در این کتاب، سعی نویسنده در رعایت انصاف در حق اخباریان است. از این رو، وی علاوه بر بازخوانی نقایص و ضعف‌های اخباریان و بیان آثار مخرب این مکتب، به پاره‌ای از آثار مثبت تفکر اخباری‌گری نیز اشاره کرده است.

درس نهم به شخصیت‌های اصولی و پاره‌ای از فعالیت‌های ضعیف اصولی که در دوران اخباریان انجام شده، پرداخته است. پنجمین دوره از ادوار اصولی شیعه را نویسنده «دوره تجدید حیات و تحولات شگرف در اصول فقه» خوانده، درس‌های دهم و یازدهم را به این امر اختصاص داده است.

نگارنده در آغاز به علل پیدایش دوره و چگونگی فروپاشی نهضت اخباری‌گری اشاره نموده و وحید بهبهانی را به عنوان شخصیت با درایت و عمیق علمی معرفی کرده که به مبارزه و چالش جدی با اخباریان پرداخته است. وی پس از رنج‌های بی‌شمار موفق شده که ریشه اخباری‌گری را بخشکاند و روح اجتهاد را در جسم نیمه‌جان و مرده‌وش حوزه‌های اصولی بدمد.

در ادامه شاگردان وحید بهبهانی این حرکت جدید اصولی را قوت بخشیده به دوره بعدی منتقل کردند.

دوره ششم در سه درس دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم تحت عنوان «ژرف‌نگری در علم اصول» تحلیل و کاوش شد. سرآغاز این دوره، شیخ انصاری قرار داده شده، آثار و برخی از افکار بدیع و ابتکاری او بازخوانی شده است. آن‌گاه شاگردان برجسته شیخ اعظم، هم‌چون میرزای شیرازی، میرزای رشتی، شیخ هادی تهرانی، آخوند خراسانی و شاگردان برجسته شاگردان او هم‌چون میرزای نائینی، محقق عراقی و محقق اصفهانی به عنوان تقویت‌کنندگان این دوره اصولی شناسانده شده‌اند و به این ترتیب دوره ششم تا عصر حاضر هم‌کشانده شده و ادامه یافته است.

تحولات ساختاری در علم اصول، بسیاری از مباحث مطروحه در قطع و ظن، برجسته کردن بحث از اصول عملیه و تفصیل و تقسیم‌های مختلف آن، بحث از ادله اجتهادی و فقاهتی، بحث حکومت و ورود را می‌توان از نوآوری‌ها و ابتکارات این دوره برشمرد.

نویسنده درس پانزدهم را «نگاهی به عصر حاضر» نام‌گذاری کرده است. وی اگرچه بر این باور است که اصول معاصر ادامه یافته مکتب اصولی پدید آمده از سوی شیخ انصاری است و در این مورد می‌گوید: «اگرچه محققان این دوره تلاش‌های

بسیاری در تجدید و تبیین تازه‌تر مبانی و مباحث اصولی کرده‌اند و گاه هم به لحاظ ساختاری و هم به جهت محتوایی نوآوری‌هایی نیز داشته‌اند، اما در عین حال از بهره‌مندان خوان گسترده اصولیان پیشین به شمار می‌روند و نمی‌توان کار آنها را جدا و بریده از مدرسه اصولی شیخ انصاری بررسی و تحلیل کرد»، اما در عین حال، به دلیل لزوم توجه عمیق‌تر و شناخت بهتر اصول معاصر، و ایجاد زمینه لازم جهت کارهای بایسته در آن، به اصولیان معاصر به صورت مستقل پرداخته و تلاش آنان را به تحلیل و سنجش برنشسته است. نگارنده از میان اصولیان برجسته معاصر، به تبیین اصول آیت‌الله خویی، امام خمینی و شهید سید محمدباقر صدر پرداخته و تلاش‌های درخور تحسین آنها را بازشناسانده است، اما آن‌را کافی ندانسته، گفته است به داشته‌ها نباید دلخوش بود. از این رو، به تحلیل برخی نارسایی‌های موجود در اصول فقه امروز پرداخته و برخی از تلاش‌های محققان معاصر را در تحول علم اصول مورد سنجش و ارزیابی قرار داده است و خود به عنوان یک پیش‌درآمد جهت نیل به اصول مطلوب و بایسته و متناسب با زمان به برخی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های اصول مطلوب اشاره و پاره‌ای از راه‌های لازم جهت نیل به آن را ارائه کرده است؛ اما تأکید کرده است که این تعداد تنها در حد طرحی اولیه جهت آغاز کار است و تلاش اساسی و کاملاً هدفمند، نیازمند طرح‌هایی جدی‌تر و سنجیده‌تر است.

از آن‌جا که این کتاب به عنوان یک متن درسی تنظیم شده است، طبعاً باید مزایای آن را بیشتر با این نسبت ملاحظه کرد و بر این اساس به برخی از ویژگی‌های مهم‌تر کتاب اشاره می‌کنیم:

۱. توجه به جنبه آموزشی بودن این رشته به دلیل نو و تازه بودن تعلیم تاریخ اصول؛
۲. داشتن چکیده مناسب در آخر درس؛
۳. داشتن پرسش و پژوهش در آخر هر درس که زمینه دغدغه‌دار کردن دانشجویان و طلاب را در این باره فراهم می‌سازد. افزون بر این که پرسش‌های آخر کتاب بیشتر زمینه ساز اندیشیدن دانش‌پژوهان می‌باشد. به گفته نویسنده ناگفته‌های متن است که بر عهده خود خواننده گذاشته شده است.
۴. بررسی اجمالی اصول اهل سنت در هر دوره و به صورت مستقل؛
۵. روان و خوشخوان بودن کتاب؛
۶. مراجعه به منابع دست‌اول در نقل اقوال و دیدگاه‌ها.

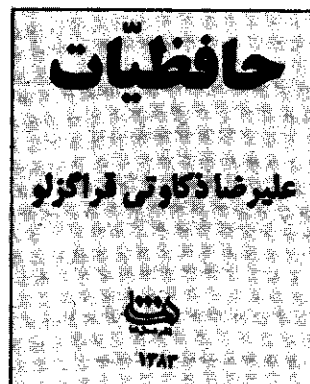
دفتر و قلمی پُر نمی توان کرد... (ص ۹) اشکال عمده ای که ویراستار کتاب و مقدمه نویس آن بر پرورسۀ حافظ شناسی می گیرد، تحمیل ذوق و علائق شخصی نویسندگان بر شعر حافظ است. سپس می افزاید که از همین رو است که اکنون بر هیچ کسی معلوم نیست که دل نازک حافظ، مایل افسانه کیست. سپس اساسی ترین سؤالاتی که می توانند محور حافظ شناسی معاصر قرار گیرند، برمی شمارد که به ۱۲ پرسش مهم و پاسخجو می رسد. داوری وی درباره کتاب حاضر نیز خالی از نکته نیست: «کتاب حاضر، رقیمة استاد علیرضا ذکاوتی قراگزلو، نمونه ای از تألیفاتی است که آب از چشمه تحقیق می خورد و به هیچ روی سر در آبشخور تقلید ندارد... تألیفات محققانه، اصالت و صلابت ویژه ای دارند؛ اگرچه گاه اصابت نمی کنند... حافظیات استاد ذکاوتی، همچون دیگر محصولات قلمی وی نامقلدانه است و هم بدین رو گاه می توان بر آن نکته گرفت و در صواب آن چند و چون کرد... حافظیات، گره هایی چند از دیوان خواجه شیراز را می گشاید؛ به ویژه آنجا که نویسنده، تاریخ را به مدد می گیرد و تیزبینی های علمی خود را از دهلیز تحقیقات تاریخی می گذراند، خواننده را به لایه های عمیق تری از فرهنگ حافظ با خود همسفر می کند. آنچه از بوستان حافظیات، بیشتر مشام نوازی می کند، پرهیز نویسنده آن از پیش داوری های مقلدانه و جزم اندیشی های بیمارگونه است. این بنده اگرچه توفیق آن ندارد که سر تسلیم بر همه نکته پردازی ها و نظر سازی نویسنده در کتاب حاضر فرود آورد، اما به چشم سر و سر می بیند که ذکاوتی برای هر سطر که می نگارد، چندین بار قلم در مرکب تحقیق فرو می برد و برمی آورد. در این اثر، اثری از حافظ بازی نیست و هرچه هست شعر است و شعور است و شناخت؛ یعنی آنچه شایسته حافظ شناسی است.» (مقدمه، ص ۸-۱۴)

پس از مقدمه ویراستار و پیشگفتار مؤلف، نخستین فصل کتاب آغاز می شود که در آن به چند پرسش درباره حافظ، پاسخ داده می شود. همچنین معنای چند بیت و پاره ای از ناهمواری های شعر حافظ، موضوع فصل نخست است. پرسش هایی که در این

فصل، پاسخ می گیرند در این موضوعات است:

۱. جایگاه حافظ در ذهن و زندگی ایرانیان؛
۲. بهترین غزل حافظ؛
۳. اتحاد و انسجام مضمونی در غزل حافظ؛
۴. فال حافظ؛
۵. بهترین طبع و تصحیح حافظ؛
۶. برجسته ترین آثار حافظ پژوهی؛
۷. جای خالی تحقیقات دیگر.

حافظیات، علیرضا ذکاوتی قراگزلو، ویرایش و مقدمه: رضا بابایی، انتشارات هستی نما، ۱۳۸۲، ۲۲۵ ص، رقعی.



درباره حافظ بسیار گفته اند و همچنان خواهند گفت و نوشت. اما نباید از یاد برد که این گفته ها و نوشته ها فقط برای سیر حافظ پژوهی مفید نیست؛ بلکه در این تحقیقات، گاه حافظ بهانه ای است برای شروع و انجام پژوهشی تاریخی یا ادبی یا عرفانی یا اجتماعی یا... به سخن دیگر، حافظ پژوهی مجموعه ای است از تحقیقات و تأملاتی که به بهانه حافظ سامان می پذیرد و این گونه نیست که فقط برای حافظ پژوهی فایده داشته باشد. بدین ترتیب، حتی اگر ملک و دیار و زبان ما از اعجوبه ای به نام حافظ هم محروم بود، بسیاری از همین تحقیقات، در موضوعیت و با محوریت صاحب نامی دیگر آغاز و انجام می گرفت. کتاب حافظیات، نوشته استاد علیرضا ذکاوتی که به تازگی روانه بازار نشر شده است، دلیلی دیگر بر این دعوی است که گاه حافظ، طلیعه ای برای تحقیقات تاریخی و ادبی است و نیاز ما به این دست پژوهش های دامنه دار، فقط علاقه و نسبت ما به حافظ شیرازی شاعر قرن هشتم نیست. از استاد ذکاوتی پیش از این نیز آثاری در همین فضا و محیط ذهنی پدید آمده است که انصاف را همگی خواندنی و مغتنم است. حافظیات که گویا آخرین رشحه از قلم و تحریر او است، همان ذکاوتی و قلمی را نشان می دهد که عرفانیات و جاحظ و... می نمایاند.

ویراستار کتاب، جناب بابایی، در مقدمه ای خواندنی و بی پیرایه، نکاتی را یادآور شده اند که یادآوری برخی از آنها در اینجا خالی از فایده نیست. از عنوان مقدمه ایشان، می توان دریافت که او نیز همچون نویسنده کتاب، دوران حافظ بازی را در آخرین منزلگاه های خود می بیند. در ذیل عنوان «از حافظ بازی تا حافظ شناسی» می نویسد: «جایگاه حافظ شناسی در میان تحقیقات علمی-ادبی، هنوز به پایگاه حافظ در شعر و اندیشه ایرانی نرسیده است. فاصله میان آن پایگاه تا این جایگاه را به هر

در همین فصل بیت «عشقت رسد به فریاد از خود به سان حافظ / قرآن ز بر بخوانی با چارده روایت» و چندین بیت دیگر نقل و بررسی می‌شود. در این بررسی‌ها نویسنده، به پاره‌هایی از شواهد تاریخی و ادبی استناد می‌جوید. در مجموعه ۱۶ بیت، به این ترتیب، معنای آشکارتری پیدا می‌کنند. (ص ۳۸)

«پاره‌ای ناهمواری‌ها در شعر حافظ» مقاله‌ای است که نویسنده نخستین بار آن را به کنگره حافظ (آبان ۶۷) ارائه کرده است. خرده‌گیری‌های ذکاوتی بر برخی از شعرهای حافظ بیشتر در محور مسائل زیر است:

۱. تکرار قافیه در برخی غزل‌ها؛ (ص ۴۰)
۲. اختلال وزنی در چند بیت؛ (ص ۴۵)
۳. ضایعات صنعتی؛ (ص ۴۸)
۴. نارسایی در بیان و اضطراب در معانی؛ (ص ۵۱)

وی در چند بیت از مجموعه دیوان حافظ، نشان می‌دهد که نارسایی‌هایی وجود دارد. البته همه این اختلالات و نارسایی‌ها و تنگناهای قافیه‌ای، در جنب دیوان عظیم و فاخر حافظ، هرگز به چشم نمی‌آید و این نکته از چشم نویسنده نیز پوشیده نمانده است.

فصل دوم کتاب، حافظ را با کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی و خواجه کرمانی و سلمان ساوجی مقایسه می‌کند و از تأثیر و تأثر آنها از یکدیگر و بر یکدیگر سخن می‌گوید.

فصل سوم کتاب، حافظ را در کنار بزرگانی چون محیی‌الدین عربی و شمس تبریزی و روزبهان بقلی و ابن‌فارض مصری و سعدی شیرازی می‌نشانند تا وزن حافظ در جنب آنان معلوم گردد. این فصل، بسیار خواندنی و سرشار از نکات تاریخی و ادبی است. سپس در **فصل چهارم حافظ را در میان هفتاد و دو ملت می‌بیند و اینکه درباره او چه اختلافاتی بر سر زبان‌هاست.** نویسنده از رهگذر گزارش مباحثی که درباره حافظ وجود دارد، پاره‌ای از عقاید کلامی حافظ را می‌نمایاند. (ص ۲۲۲)

مقاله دیگری در همین فصل وجود دارد که نویسنده عنوان آن را «بنگه لولیان در کنار سرای مغان» گذاشته است. شاید بتوان گفت این مقاله تحقیقی‌ترین مقاله تاریخی نویسنده در این مجموعه است. به ویژه مطالعات و تأملات او درباره «لولیان» بسیار نکته‌آمیز و سودمند است.

پس از آن مراحل سلوک حافظ را به بحث می‌گذارد که از فتوت و ارادت و قصد و صبر و ریاضت شروع می‌شود و تا مشاهده و معاینه و فنا ادامه می‌یابد. برای هر یک از این مراحل که شمار آنها به ۷۲ منزل می‌رسد، بیت یا ابیاتی را ضمیمه می‌کند.

فصل پایانی کتاب، تصحیح و ویرایش دو اثر فارسی و قدیمی درباره حافظ است. اثر نخست «رشف العسل و كشف الغزل»

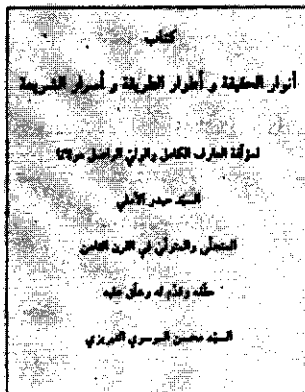
نام دارد که نویسنده آن را «تفسیری شیعی بر یک غزل حافظ» نامیده است. (ص ۲۸۴) پس از توضیحاتی درباره مؤلف و نسخه‌های کتاب، بخشی از آن را ویرایش و بازخوانی می‌کند.

اثر دومی که در فصل پایانی کتاب، معرفی و نقد و بررسی می‌شود. «شرح عرفانی غزل‌های حافظ» نوشته ابوالحسن عبدالرحمان ختمی لاهوری است. استاد ذکاوتی معتقد است ختمی لاهوری در شرح خود بر دیوان حافظ، روح کلام شاعر را دریافته است و استهزای شاعر را نسبت به قشریون و ریاکاران کوتاه‌اندیش به خوبی ظاهر کرده است. (ص ۳۱۰) نیز می‌افزاید: «تصریح او (لاهوری) بر اینکه عرفا و شعرا در مراحل سلوک و زندگانی خود ممکن است دچار عشق مجازی و حتی هوس‌های منحرف شوند، یادآور کتاب مجالس العشاق است که بیش از یک قرن پیش از آن نوشته شده است.» (ص ۳۱۱) سپس نکاتی از این کتاب را با تلخیص از نظر خواننده می‌گذارند.

به گمان راقم این سطور حافظیات، سرشار از نکات و دانستی‌های سودمند درباره «ادب و تاریخ ایران» است و همه حافظ‌دوستان و حافظ‌پژوهان را از آن بهره‌ای خواهد بود.

حجت‌الله زمانی

انوار الحقیقه و اطوار الطریقه و اسرار الشریعه لمؤلفه العارف
الکامل السید حیدر آملی، حقه و قدّم له و علّق علیه: السید
محسن الموسوی التبریزی، العنايه والنشر: المعهد الشفافی
نورعلی نور، ۱۳۸۳، ۸۷۲ ص، وزیری.



بهاء‌الدین سید حیدر بن علی عبیدی، معروف به صوفی (۷۲۰-۷۹۴ق) از مشاهیر عرفای شیعی سده هشتم هجری است. وی از نوادگان علویان مازندران بود و خاندان او در مازندران به تشیع شهرت داشتند. تحصیلات خود را از آمل آغاز کرد و سپس به استرآباد و خراسان و اصفهان رفت. در بازگشت از سفر به دربار فخرالدوله حسن بن کیخسرو (۷۳۴-۷۵۰ق)

۸. رسالات فارسی: جامع الحقایق، رساله التزیه و امتله التوحید.

(ر. ک: دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۲۳۳)

۹. انوار الحقیقه و اطوار الطریقه و اسرار الشریعه.

در میان آثار و نوشته های سید حیدر آملی، همواره کوشش وی برای نشان دادن تطابق شریعت و طریقت و حقیقت بر یکدیگر، به چشم می خورد. کتاب حاضر نیز که به تصحیح و اهتمام آقای سید محسن موسوی تبریزی مطبوع گردیده است، شاهی دیگر بر سعی و منظور سید حیدر است. مصحح محترم نیز در مقدمه یادآور می شود: «از اهداف مبارک سید در همه مدت حیات علمی اش، بیان این حقیقت بود که شریعت و طریقت و حقیقت قابل جمع اند.» (ص ۱۱-۱۲) در همین مقدمه، پاره ای از اساسی ترین اندیشه ها و آرای عرفانی سید حیدر آملی را می خوانیم. در مقدمه ۱۴۴ صفحه ای مصحح غیر از نکات فنی درباره تصحیح و نسخ کتاب، از موضوعات مربوط به محتوای کتاب نیز به تفصیل سخن می رود؛ مانند

- مراتب فنا و معرفت

- علم شریعت و علم طریقت

- انسان کامل

- ولایت، باطن رسالت و نبوت است

- مراتب ایمان و اسلام

- طبقات عابدان و مراتب عبادت کشف و شهود

- خرقه ...

متن کتاب نیز حاوی تعلیقات سودمند و نکته سنجانه مصحح است. از دیگر افزوده های جناب موسوی بر کتاب، استخراج منابع و ذکر کامل الفاظ احادیث، عنوان گذاری و نمایه سازی است. نسخه اصلی مصحح محترم، نسخه ای است که مؤلف آن را به خط خود نوشته است. این نسخه، مقدمه ششم از مقدمات تفسیر المحیط الاعظم است. (ر. ک: ص ۱۱)

از عناوین و موضوعاتی که در کتاب از آنها سخن رفته است، می توان به محتوای آن نیز پی برد. نخستین بحث مؤلف درباره ترادف شریعت و طریقت و حقیقت است؛ یعنی این اسما، مترادف هایی هستند که بر حقیقتی واحد صدق می کنند. نیز می افزاید که شرع همچون روح برای عقل است (ص ۱۲۳). و از آن جا که هر موجودی را دو نوع سیر است: صوری و معنوی (ص ۲۵) بنابراین به همه مظاهر حقیقت که از جمله آنها شریعت و طریقت است، نیازمند است. اقسام توحید، عدل نزد اهل حقیقت، معاد، معراج و آداب شریعت از دیگر موضوعاتی است که سید بدان ها می پردازد و مصحح گرامی با تعلیقات خود بر فواید

آخرین امیر از سلسله آل بارند پیوست و از ندیمان خاص وی گشت. اما پس از چندی به دربار فخرالدوله شاه غازی امیر بادوسپانی رفت و نزد پادشاه و برادرش پایگاهی بلند یافت و مال فراوان اندوخت. در همین ایام بود که شور حقیقت جویی در دلش پدیدار گشت و مال و عیال و فرزندان را بگذاشت و با دلی ژنده به قصد زیارت بارگاه پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) از سرزمین خود بیرون آمد. پس از چندی که در اصفهان اقامت گزید و با مشایخ صوفیه حشر و نشر یافت، عزیمت حج کرد (۷۵۱ق) و در بازگشت، در شهرهای نجف و کربلا و بغداد و حله نزد استادانی چون نصیرالدین کاشانی، از فقها و متکلمان شیعی و فخر المحققین، فرزند علامه حلّی کسب علم کرد. از سال های پایان عمر وی، اطلاع چندانی در دست نیست. گویا آخرین فرصت های زندگی خود را مصروف تألیف و تهذیب نفس کرده است.

سید حیدر آملی مدت بیست سال فقیه و متکلمی متعصب بود، اما با انقلابی که در درونش رخ داد، تعصب را کنار گذاشت و به تسامح گرایید و عرفان و تشیع را در هم آمیخت. وی ائمه شیعه را عارف و صاحب معرفت کشفی می شمرد و امام دوازدهم (عج) را قطب صوفیه می خواند. وی گرچه از پیروان مکتب ابن عربی محسوب می شود، اما در پیروی از آرا و اندیشه های محیی الدین ساده اندیش نبود. سید حیدر آملی با پاره ای از آرای عرفانی محیی الدین سخت مخالفت کرد؛ از جمله ختم ولایت عامه مطلقه به عیسی بن مریم و ختم ولایت مقیده محمدیه به ابن عربی. سید حیدر آملی در تألیف نیز دستی توانا داشت که معروف ترین آنها عبارتند از:

۱. الارکان فی فروع شرایع اهل ایمان. این اثر در تأویل مسائل مربوط به نماز و روزه و زکات و حج و جهاد، مطابق مشرب اهل طریقت است.

۲. رساله الامامه، در تفسیر مفهوم امامت که در سوره احزاب آمده است.

۳. اصطلاحات الصوفیه، که تلخیص گونه ای است از رساله اصطلاحات عبدالرزاق کاشانی.

۴. جامع الاسرار یا جامع الانوار که مهم ترین اثر او است و در این کتاب کوشیده است تا نشان دهد حقیقت تشیع و تصوف یکی است.

۵. نص النصوص در شرح فصوص الحکم ابن عربی.

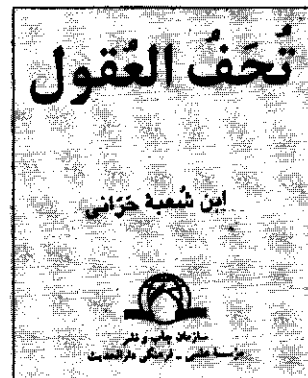
۶. محیط الاعظم، در تفسیر قرآن.

۷. رافعة الخلاف، درباره تقدم علی بن ابی طالب بر دیگر صحابه و دلیل سکوت آن حضرت در ماجرای اختلاف پس از رحلت پیامبر (ص).

کتاب می‌افزاید. نگارنده، امید می‌برد که در فرصتی دیگر، محتوا و شیوه تصحیح کتاب را به تفصیل معرفی کند و در این مجال به این مقدار بسنده می‌کند. از فهرست‌های فراوانی که کتاب را «ختامه مسک» شده‌اند، می‌توان دریافت که محقق و ناشر، سعی بلیغی در احیای این اثر ارزنده داشته‌اند. سیزده فهرست در پایان کتاب آمده است که غیر از فهرست‌های رایج، می‌توان به فهرست اصطلاحات فنی، فهرست موضوعی، فهرست امثال، فهرست اشعار فارسی، فهرست قبایل و فرق و طوایف نیز اشاره کرد. برای روح آن عارف شیعی آرزوی علو درجات داریم و از خداوند برای محقق محترم کتاب، توفیقات بیشتر را خواستاریم.

حجت‌الله زمانی

گزیده متون حدیثی ۱/ (شهاب‌الآخبار)، گزیده متون حدیثی ۲/ (غرد الحکم و درر الکلم) گزیده متون حدیثی ۳/ (تحف العقول)، مرکز تحقیقات دارالحدیث، ناشر: دارالحدیث، رقی، ۱۰۷+۹۸+۱۳۰.



به تازگی مرکز تحقیقات دارالحدیث، مجموعه‌هایی را تحت عنوان «گزیده متون حدیثی» روانه بازار کرده است که آشناسازی عموم مردم و جوانان را با آثار روایی شیعه دنبال می‌کند. این مجموعه‌ها که در قطع و اندازه‌های یکسان و حجم اندک منتشر شده‌اند، همراه ترجمه و مقدمه‌ای سودمندند که خواننده

غیرمتخصص را از مراجعه به چندین کتاب و منبع بی‌نیاز می‌کنند. درباره اهمیت و ضرورت توجه به این گنجینه‌های غنی و ناب، بسیار می‌توان سخن گفت؛ اما نویسنده «درآمد» این مجموعه‌ها، این اهمیت و ضرورت مقدس را چنین باز می‌گوید: «سنت معصومان (ع) میراث شریف ایمان و فضیلت برای انسان‌های حقیقت‌طلب است و جام جان مشتاقان را از شراب جانفزای معنویت و حکمت سرشار می‌کند. حقیقیان و خداطلبان، همواره در روشنای قدسی سخن معصومان (ع) به پاکی‌ها و نیکی‌های جاویدان راه برده‌اند. بر خوان گسترده «قال المعصوم» هم فرزنانگان طعام دانایی خورده‌اند و هم کوتاه‌دستان، ریزه‌خواری کرده‌اند. و چنین است که می‌بینیم سنت پس از کلام روحانی وحی، به عنوان دومین مأخذ دینی مسلمانان، سهمی سترگ در توصیف حقیقت دین و بالندگی و شکوه علوم اسلامی داشته است.» (مقدمه نخست)

در وادی حدیث و تحقیقات مربوط به آن، گزیده‌نویسی، تاریخچه‌ای پربار دارد؛ زیرا بسیاری از جوامع روایی ما که اکنون در شمار مهم‌ترین آثار دینی قرار دارند، نخستین بار به هدف گزینش و یا گردآوری‌های موضوعی تدوین شده‌اند؛ به ویژه مجموعه‌هایی که از قرن پنجم به بعد، تدوین و آماده‌سازی شدند، گاه چنین هدف و برنامه‌ای را دنبال می‌کردند. این گزیده‌ها که تاریخ حدیث را از اسامی و آثار خود مملو کرده‌اند، چندین هدف را در نظر داشتند؛ از جمله جلوگیری از پراکندگی و آشفتگی منابع، و احیای آنها.

به حتم تاکنون قدم‌های بلندی برای تهیه و تدوین گزیده‌هایی که اهداف عام‌تر و عمومی‌تری داشته باشند، برداشته نشده است و می‌توان مجموعه «گزیده متون حدیثی» را پاسخی به این نیاز عمومی دانست. آنچه در معرفی این دفترها در ذیل می‌آید، بیشتر با استفاده از درآمد کتاب و اطلاعاتی است که در این بخش از دفاتر آمده است.

با وجود نیاز فزاینده انسان معاصر به معنویت و اخلاق و نیز به رغم آنکه همگان پذیرفته‌اند که احادیث از متون اساسی دین است، اما آن چنان که سزاوار است، به آن اقبال نشده و در عرضة روشنگرانه و فراگیر آن به نسل نو تلاشی درخور به ظهور نرسیده است.

از دیگر سو، پُربزرگ بودن آثار روایی و ظهور پاره‌ای از مطالب ضعیف و غیرعصری در آنها و نیز در دسترس نبودن ترجمه فارسی و یا ترجمه‌ای امروزی از برخی از این متون، گروهی را که طالب کتاب‌های گزیده و سخته‌اند، از مطالعه آنها بازداشته است.

۱-۸. عموم به آن نیازمند باشند؛

۲-۸. کوتاه، گویا و کاربردی باشد؛

۳-۸. ناظر به یکی از مسائل اعتقادی، عبادی، اخلاقی،

تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و ... باشد، امید به زندگی را افزایش دهد و مکارم اخلاقی و اصول انسانی را تقویت کند.

۹. سعی شده است تا در ترجمه احادیث، نثر معیار رعایت شود.

۱۰. گزیده هر اثر، محصول کار جمعی است که زیر نظر

دبیر مجموعه تدوین می شود. در صفحه حقوق هر گزیده،

همکاران شناسانده می شوند.

از این مجموعه عناوین ذیل به تازگی انتشار یافته است:

۱. شهاب الاخبار، قاضی محمد بن سلامه قضاعی (م ۴۵۴ق)، ترجمه حمید فرخیان، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳، چاپ اول، ۱۰۰ ص.

۲. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد آمدی (م ۵۱۰ق)، ترجمه سید محسن موسوی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳، چاپ اول، ۱۳۰ ص.

۳. تحف العقول، ابن شعبه حرانی (م ق چهارم)، با استفاده از ترجمه پرویز اتابکی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳، چاپ اول، ۱۰۸ ص. ویژگی برجسته مجلدات منتشر شده در برداشتن نمایه موضوعی در پایان هر دفتر است که از طریق موضوعات خرد براحتی می توان به موضوعات مورد نظر دست یافت. سنت حسنه درج نمایه موضوعی در پایان آثار غیر دینی که چندی است شتاب فزون تری یافته است، امید می رود در متون دینی نیز مورد عنایت بیشتری قرار گیرد.

همچنین بر اساس برنامه و وعده های اعلام شده، این عناوین نیز در دست آماده سازی و انتشار است: ۱. المحاسن؛ ۲. الخصال؛ ۳. مشکوة الأنوار؛ ۴. الکافی؛ ۵. بحار الأنوار.

در ترتیب شماره گذاری ده دفتر نخست بدین گونه عمل شده است: دفتر نخست به سخنان کوتاه پیامبر (ص) اختصاص یافته است. در دفتر دوم سخنان کوتاه امام علی (ع) آمده است. دفتر سوم دربردارنده سخنان کوتاه چهارده معصوم است. دفتر چهارم اختصاص به مجموعه حدیثی موضوعی کهن دارد. دفتر پنجم مجموعه ای حدیثی است که با خصلت های یگانه آغاز و به خصلت های بیشتر خاتمه می یابد. دفتر ششم دربردارنده مجموعه موضوعی متأخرتر است. دفترهای هفتم و هشتم به «مهم ترین» و «بزرگ ترین» مجموعه حدیثی شیعه اختصاص یافته است. دفتر نهم و دهم نیز دربردارنده دو مجموعه حدیثی موضوعی معاصر است. در ده دفتر نخست هدف این بوده است که علاقه مندان با نمونه های متنوع منابع حدیثی نیز آشنا شوند. در ادامه نیز سایر متون حدیثی به صورت گزیده ارائه خواهد شد.

بی شک، زفع نقایص پیش گفته، به علاوه بهره گیری از قالب های نوین، می تواند بیش از پیش به گسترش فرهنگ حدیثی در میان عموم یاری رساند. قالب «گزیده متون» که در موضوعات دیگر (مانند ادبیات)، تجربه ای خوشایند را فراهم آورده، قالبی مناسب برای انتشار مجموعه های حدیثی است؛ اگرچه تاکنون از این قالب در عرصه متون دینی برای عموم کمتر سود جسته شده است.

این قالب، همچنین در آمادی است برای آشنایی کامل تر با معارف اهل بیت (ع) و می تواند پس از برانگیختن اشتیاق اولیه مخاطبان برای پی گیری و فهم این معارف، در مرحله پسین، آنان را به استفاده هایی فراگیر تر رهنمون شود. مجموعه «گزیده متون حدیثی» به همت مرکز تحقیقات دارالحدیث نیز به همین نیت و در چنین قالبی تدوین شده است. امید است در کنار تلاش های دیگر برای تصحیح و احیای متون حدیثی، این مجموعه بتواند با شناساندن متون حدیثی و پدید آوردن گان آنها، مدخلی برای ورود به اصل این آثار باشد.

مهم ترین ویژگی های این مجموعه را می توان چنین برشمرد: ۱. اشتمال بر گزیده مهم ترین متون حدیثی؛

۲. در گزیده سازی، ترتیب تاریخی آثار مورد نظر نبوده است و به تدریج، مهم ترین مجموعه های حدیثی، از کهن ترین آنها تا عصر حاضر، برگزین خواهند شد.

۳. حجم هر کتاب و ترجمه آن، بین یک صد تا دو صد صفحه است.

۴. همه گزیده ها در قطع و طرحی یکسان عرضه می شوند.

۵. هر گزیده شامل مقدمه، متن و نمایه است: مقدمه، به اختصار، دربردارنده اطلاعاتی درباره زندگانی پدیدآورنده کتاب، جایگاه علمی او و گزارشی از محتوای کتاب و ترسیم جایگاه آن در میان متون حدیثی است. متن، شامل احادیث برگزیده همراه با اعراب و ترجمه و در صورت نیاز، شرح است. در نمایه، فهرست موضوعی کاملی در پایان هر مجموعه ارائه می شود که با رجوع به آن می توان به صورت موضوعی به احادیث دست یافت.

۶. منابع احادیث، حتی الامکان، شناسایی شده و در پانوشت هر صفحه آورده

شده است؛ جز در متونی که از مصادر اصلی به شمار می آیند. ۷. در گزیده ها، حتی الامکان، ترتیب مطالب رعایت می شود. در مواردی که ساختار جدیدی در نظر گرفته شود، در مقدمه به آن تصریح می شود.

۸. در انتخاب احادیث، حتی الامکان، معیارهای ذیل در نظر بوده است:

امید است این مجموعه بتواند دریچه‌ای کوچک به جهان پر فروغ سخنان خاندان نور(ع) باشد، و علاقه‌مندان را با فرهنگ حدیثی آشنا سازد.

آنچه در پایان این معرفی کوتاه، گفتنی می‌دانم، سخنی ناقدانه درباره شیوه تدوین کتاب‌های «گزیده متون حدیثی» است. کتاب تحف العقول به شیوه اصل کتاب براساس ترتیب معصومان(ع) تدوین شده است؛ یعنی احادیثی از هر یک از معصومان(ع) در هر بخش آمده است. دو دفتر دیگر احادیث را براساس حرف آغازین هر حدیث آورده‌اند؛ یعنی به ترتیب حروف الفبایی، بدین ترتیب هیچ یک از این مجموعه‌ها به شیوه موضوعی عمل نکرده‌اند. این روش اگرچه برای آشنایی خواننده با اصل اثر بسیار مفید و راهگشا است، اما با هدف عمومی سازی حدیث و گسترش نفوذ روایات در میان عامه مردم و جوانان سازگاری چندانی ندارد. خواننده این دفترها، به اقتضای علائق و سائقه‌هایی که دارند، بیشتر در پی موضوعات دلخواه و مبتلا به می‌گردند، ولی با خواندن این آثار، بیشتر با اصل کتاب‌هایی که گزیده شده‌اند، آشنا می‌شوند و از این رهگذر پاره‌ای از احادیث مندرج در آن کتاب‌ها را نیز بازبینی می‌کنند. البته وجود مبارک «نمایه موضوعی» در پایان هر دفتر، تا حد بسیاری این نقص را می‌پوشاند، اما نباید از یاد برد که استفاده از نمایه‌های پایانی کتاب‌ها، معمولاً بیرون از حوصله کسانی است که خواننده این گونه آثارند. درآمد هر یک از این مجموعه‌های گزینشی، خواننده را به این نتیجه می‌رساند که هدف از انتشار آنها آشنایی با سخن و فرهنگ عصمت است؛ اما شیوه تدوین آنها، خواننده را بیشتر با اصل کتاب آشنا می‌کند و اینکه مثلاً تحف العقول چگونه کتابی است و چه نوع احادیثی را در خود گنجانده است. ترتیب موضوعی احادیث، البته «گزیده» را با اصل کتاب، متفاوت می‌کند، ولی در عوض فایده بیشتری برای خوانندگان غیر متخصص دارد.

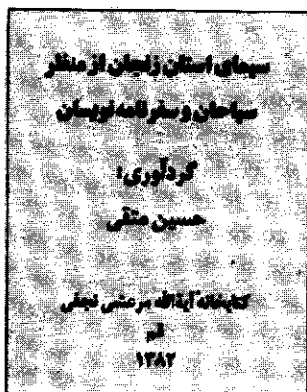
همچنین درباره انتخاب آثار و ترتیب انتشار آنها، این ملاحظه وجود دارد که آیا به واقع آنچه تاکنون منتشر شده است، در اولویت بوده‌اند؟ نیز این پرسش قابل طرح است که اگر شناسایی و معرفی جوامع روایی مهم شیعه در دستور کار بوده است. چرا از اقدام و اهم آنها آغاز نشده است و اگر آشنایی با سخن معصوم در زمینه‌های مختلف، در نظر و مقصود تدوین کنندگان محترم بوده، چرا از شیوه و ساختار اصل کتاب عدول نشده است؟ می‌دانیم که اکثر آثار روایی ما به منظور حفظ احادیث و صیانت آنها از آفات زمانه تدوین شده‌اند. این هدف برنامه، با آنچه در نظر نخست و برنامه اصلی تدوین کنندگان

بوده است، تفاوت ظریفی دارد که عدول آنان را از نظام ساختاری اصل کتاب، توجیه می‌کند.

به هر روی دفترهای یک و دو و سه از این مجموعه نفیس و ارزشمند، اکنون در دسترس همگان قرار گرفته است و به حتم گامی مبارک و خجسته برای تعمیم فرهنگ ناب دینی در میان طبقات مختلف جامعه است. چنین اهتمام‌هایی را باید ارج گذاشت و به دیده حرمت نگریست. نگارنده ضمن عرض امتنان و سپاس به همه کسانی که در خلق این مجموعه خواندنی و مغتنم کوشیده‌اند، تذکار بسیار درست و هوشمندانه یکی از بزرگان علم و عمل را یادآور می‌شوم که فرمود: «وقتی می‌خواهیم مردم را با دین و منابع غنی دینی آشنا کنیم، باید به همه امور اصلی و فرعی کار خود توجه کنیم که مسئله قیمت گذاری برای کتاب‌ها، یکی از آنها است؛ زیرا قیمت بالا و گران یکی از موانع ورود کتاب‌های مؤثر و مفید به خانه‌های مردم است.» (استاد محمدرضا حکیمی) اگرچه مجموعه «گزیده متون حدیثی» چندان خارج از قاعده قیمت گذاری نشده‌اند، اما پایین تر آوردن بهای کتاب‌ها، با اهداف این مجموعه بسیار سازگارتر بود.

حجت‌الله زمانی

گلگشت (سیمای استان زنجان از منظر سیاحان و سفرنامه‌نویسان)، گردآوری: حسین متقی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول ۱۳۸۲، ۵۰۴ ص، وزیری.



طرحی در احیای سفرنامه‌ها

سفرنامه‌های سیاحان داخلی و خارجی، بخش مهمی از منابع تاریخ سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی و فرهنگی ماست که مطالعه و بررسی آنها روشنگر بسیاری از حقایق تاریخی است؛ اما آن گونه که شایسته است، مورد توجه قرار نگرفته‌اند و این کم‌توجهی سبب شده که بخشی از امور تاریخی در هاله‌ای از ابهام باقی بماند و احیای سفرنامه‌ها باعث زودده شدن این ابهام‌ها است.

با موضوع مورد نظر تشخیص داده و بخش های مربوط به زنجان را گرد آورده است. نظر به اینکه وی سال ها به فهرست نویسی نسخه های خطی اشتغال دارد، به منابعی دست داشته که کمتر در دسترس دیگران قرار می گیرد.

۲. گردآورنده محترم، بعضی متون لاتین را نخستین بار ترجمه و انتشار داده است. هر چند موفق به ترجمه بعضی متون مخصوصاً از فرانسوی و روسی و آلمانی نشده است.

۳. چینش سفرنامه ها به ترتیب تاریخ است. یعنی از سفرنامه ابودلف در سال ۱۳۳۱ق/ ۹۴۱م شروع و به سفرنامه ای مربوط به سال ۱۳۴۲ش/ ۱۹۶۳م پایان می پذیرد. چنین ترتیبی گذشته از اینکه به خواننده کمک می کند تا به مطلب مربوط به عصر مورد نظر، سریع تر دست یابد، روند تغییر و تحولات منطقه را روشن می سازد.

۴. جهت آشنایی خواننده، دورنمایی از نویسنده و سفرنامه اش و زمان و فضای حاکم بر اجتماع آن روز، در ابتدای هر متن آمده است. مطالعه همین مقدمه ها خواننده را با ۶۶ سفرنامه در قرون مختلف آشنا می سازد، هر چند انگیزه ای برای آشنایی با استان زنجان نداشته باشد. به هر حال خواننده با مجموعه ای از سفرنامه های مفید آشنا می شود که می تواند دستمایه تحقیقات تاریخی و کارهای مشابه برای استان های دیگر باشد.

۵. گردآورنده خود اهل استان زنجان است و این سبب شده که بتواند توضیحات سودمند و قابل اعتمادی را در پاورقی فراروی خواننده قرار دهد و گاه اشتباهات سفرنامه نویسان را تذکر دهد.

۶. شهر باستانی سلطانیه پایتخت ایران در قرن های هفتم و هشتم هجری است. بنا و گنبد سلطانیه مهم ترین بنای تاریخی ایران، اولین بنای آجری جهان و سومین بنای مهم جهان بعد از ایاصوفیا در استانبول ترکیه و کلیسای مریم مقدس در فلورانس ایتالیا است و لذا همواره مورد توجه جهانگردان بوده است. این شهر تاریخی در استان زنجان قرار دارد و بخش عمده ای از مطالب کتاب مربوط به این شهر است که قسمتی از آنها برای نخستین بار به پژوهشگران عرضه می گردد.

۷. یکی از حوادث مهم تاریخی واقعه شورش بایبیت در سال های آغازین حکومت ناصرالدین شاه خصوصاً در دوره صدارت امیرکبیر است. واقعه ای که حداقل سال های بعدی حکومت ناصرری را تحت تأثیر قرار داد. بیشتر سیاحان نیمه دوم قرن سیزدهم به این امر پرداخته اند. از جمله مباحث مطرح در این کتاب، پرداختن به این واقعه است و بخشی از آنها برای نخستین بار در این کتاب نشر یافته است. گردآورنده محترم با این اقدام، به خوبی توانسته است بسیاری از ابهام ها را بزدايد.

۸. قحطی در اثر کم بارانی یکی از اموری است که در گذشته

چنین ضرورتی برخی کشورها را بر آن داشته تا با تشکیل مرکزی، به این امر بپردازند. به نظر می رسد زمان آن فرارسیده است که از تشکیل مؤسسات تحقیقاتی با وظایف گسترده دست برداریم تا بتوان به نتایجی قابل توجه دست یافت. کارهای بر زمین مانده در مورد سفرنامه ها، تأسیس مرکزی در این خصوص را ایجاد می کند تا با منحصر کردن فعالیت خود در این عرصه، بتوان به نتیجه سریع تر و مطلوب تر دست یافت. معرفی کتاب گلگشت، بهانه مناسبی است تا پاره ای از ویژگی ها و امور پیش بینی شده در این طرح ارائه گردد:

۱. تشکیل کتابخانه تخصصی سفرنامه ها، در این کتابخانه سفرنامه های داخلی، خارجی به زبان های مختلف (خواه به صورت کتاب باشند یا به صورت مقاله در مطبوعات)، تصویر نسخه های خطی، فهرست های موجود از سفرنامه ها و کتاب های مرتبط دیگر گرد می آیند.

۲. ترجمه سفرنامه های مربوط به ایران که هنوز به زبان فارسی برگردان نشده اند یا ترجمه آنها مغلوط است یا کاستی های دیگر دارند.

۳. پشتیبانی مادی و معنوی از پژوهشگرانی که در مورد سفرنامه ها تحقیق می کنند؛ اعم از کمک هزینه جهت تحقیق، چاپ کتاب و ...

۴. تحقیق و نشر نسخه های خطی، چاپ سنگی و سفرنامه هایی که به صورت سلسله مقاله در مطبوعات چاپ شده اند.

۵. شناسایی و جمع آوری سفرنامه های کوتاهی که در لابه لای کتاب ها و مطبوعات داخلی و خارجی چاپ شده اند، به صورت سری کتاب هایی مانند میراث اسلامی یاران.

۶. ارتباط با مراکز مشابه در خارج از کشور و تبادل اطلاعات.

۷. تدوین و چاپ تک نگاری ها در زمینه سفرنامه ها؛ مانند تهیه فرست های تفصیلی و تدوین تاریخ استان ها با استفاده از سفرنامه ها، مثل گلگشت.

روشن است که با راه اندازی چنین مرکزی زوایای دیگری هم فرارو قرار خواهند گرفت.

نظر به اینکه تاکنون کتاب مستقلی در خصوص تاریخ استان زنجان از نگاه سیاحان نشر نیافته بود، محقق گرامی جناب آقای حسین منتقی را بر آن داشت تا به تألیف این کتاب اقدام کند. اینجانب آگاهی دارم که ایشان در این راه متحمل زحماتی شدند که کمتر کسی به آن تن می دهد. جهت آشنایی با این اثر نکاتی را یادآور می شویم:

۱. پدیدآورنده، جهت تبیین گذشته تاریخی استان زنجان ۵۳۹ سفرنامه به زبان های مختلف (فارسی، عربی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و روسی) را بررسی و ۶۶ سفرنامه را متناسب

حاکم در منطقه، اماکن تاریخی و حوادث مهم دست می‌یابد، اما از این گذشته با مجموعه‌ای از نثر فارسی در قرون مختلف آشنا می‌شود. (مگر آن دسته از متونی که ترجمه شده‌اند.)

۱۰. در پایان، کتابنامه و اطلاعات تفصیلی منابع مورد استفاده آمده و پس از آن ۳۹ تفسیر تاریخی از اماکن مختلف زنجان گرد آمده است.

بی‌تردید گردآورنده با تحمل زحمت‌های زیاد موفق به نگارش این اثر ارزنده تاریخی شده است که جای تقدیر و تشکر دارد و یادآوری برخی نکات نباید از ارزش و اهمیت این اثر بکاهد. اما جهت پربارتر شدن آن در چاپ‌های بعد با کارهای مشابه، نکاتی به نظر می‌رسد:

۱. نظر به اینکه هر اثری قابلیت تکامل دارد، مناسب است پدیدآورنده محترم، اثر ارزنده خود را کنار نگذارد و به مرور، اطلاعات جدید را به آن بیفزاید. از مقدمه برمی‌آید که وی به سفرنامه‌هایی به زبان‌های مختلف دست یافته اما ظاهرآ به دلیل اینکه ترجمه آنها مستلزم هزینه‌هایی بوده، از برگردان آنها خودداری کرده است. در این موارد اگر امکان ترجمه نیست پیشنهاد می‌شود متن لاتین آنها آورده شود یا فهرستی از آنها ذکر گردد.

۲. در این کتاب جای فهرست‌های فنی گوناگون از قبیل فهرست اماکن، اعلام و اصطلاحات به خوبی محسوس است. جهت سهولت مطالعه جا داشت عنوان‌هایی در لابه‌لای متون درگروشه‌گذاری می‌شد و تهیه فهرستی از این عنوان‌ها کمک قابل توجهی برای دست‌یافتن به مطلب مورد نظر است.

۳. ذکر دورنمایی از موقعیت جغرافیایی استان زنجان و درج نقشه این استان با ذکر عنوان‌های قدیم و جدید شهرها، بخش‌ها و روستاها مناسب به نظر می‌رسد.

۴. هرچند زنجانی بودن گردآورنده و آشنایی او با منطقه، امتیازی برای کتاب به حساب می‌آید، اما این امر سبب شده از توضیح پاره‌ای واژه‌ها و اماکن غفلت کند و دلیل این امر آشنایی زیاد او با منطقه بوده و چه بسا تبیین برخی الفاظ را توضیح واضح‌تر پنداشته است؛ در حالی که گاهی خواننده ناآشنا با منطقه را با مشکل مواجه می‌سازد.

۵. هرچند تلاش شده کتاب بدون اشتباه چاپی عرضه گردد، در عین حال برخی اشتباهات در آن دیده می‌شود. سفرنامه آیه‌الله سید احمد زنجانی با عنوان «سفرنامه قم یا جنگل مولی» مربوط به سال ۱۳۳۵ ق است اما در عنوان به اشتباه سال ۱۳۱۵ درج شده است. هرچند در مقدمه، تاریخ صحیح آمده است.

۶. در سفرنامه ایران سرزمین امامان نوشته جیمز باست در صفحه ۲۵۵ خاطره‌ای در مورد قحطی سال ۱۲۸۸ ق نوشته شده

هر از چند گاه، کشور را تحت تأثیر قرار می‌داد و گاه حوادث تلخی را در پی داشت. در لابه‌لای این کتاب گزارش‌هایی در این باره دیده می‌شود. به عنوان نمونه در سفرنامه ایران سرزمین امامان، درباره قحطی سال ۱۲۸۸ ق و نمونه‌ای از آدم‌خواری، می‌خوانیم: «... چهل خانوار اهالی این روستا (سرچم) بر اثر قحطی به بیست خانوار تقلیل یافته بود؛ حدود ۱۴۰ خانه مسکونی در نیک‌پی وجود داشت، کاروانسرای بسیار بزرگ از آجر پخته در ورودی شهر به چشم می‌خورد، در حدود ۵۰ تن از مهاجرانی همدانی از قحطی در این محل جان باخته‌اند.

... در حال عبور از دروازه شهر [زنجان] دو نفر را دیدیم که بر دوش خود شکسته تابوتی حمل می‌کنند که روی آن جسد سیاه‌شده‌ای بود که در اثر قحطی جان باخته بود.

در این شهر بود که مطلع شدم که اخبار مربوط به شیوع قحطی و تب تیفوس همه حقیقت داشته است، در این شرایط تعداد قربانیان روزانه به ۶۰ تن می‌رسید. به گفته برخی، شهر در حدود ۴۰ هزار نفر جمعیت داشته است که من این برآورد را خیلی زیاد تصور می‌کردم؛ قحطی در فصل زمستان پیداد می‌کرد. نخست این گونه بود که تنها مهاجرانی که از مکان‌های دیگر به این جا می‌آمدند قربانی قحطی می‌شدند، ولی بعداً شهروندان خود شهر نیز گرفتار آن شدند، در ۹ ماه اخیر ۵۶۳۰ تن برای دفن از یکی از دروازه‌های شهر خارج شده‌اند که ۱۱۰۰ تن آنها در ۴۶ روز اخیر بوده است. طی همین ۹ ماه ۵۰۰۰ جسد از دروازه دیگر شهر به بیرون منتقل شدند؛ تصور می‌شد که آب آشامیدنی آلوده شده باشد؛ چرا که برخی از منابع آب از کنارویا از زیر قبرستان عبور می‌کرد.

... عمق برف در این ارتفاع، زمین یخ‌زده و بی‌اعتنایی مردم مانع انجام تدفین در قبرستان بودند؛ آن‌طور که گفته می‌شد جسد حدود ۵۰۰ نفر به بازوی عرضی پرتاب شده بودند تا با مساعد شدن شرایط موجود دفن شوند.

... طبق گزارشی در حدود ۲۰۰ نفر از ساکنین این روستا (خرم‌دره) بر اثر قحطی تلف شده‌اند. به نظر می‌رسد که صحت این مطلب از سوی مسئولین تأیید شده باشد، مبنی بر این که از فرط گرسنگی مردم گوشت انسان می‌خوردند. شخصی به علت انجام همین کار به دار آویخته شد. او خود اعتراف کرد که فردی را به منظور خوردن گوشتش به قتل رسانده است و بدین ترتیب گوشت انسان مقتول را به تلف شدن از گرسنگی ترجیح داد. «(گلگشت، ص ۲۴۸-۲۵۷)

۹. هرچند خواننده با مطالعه کتاب، به اطلاعاتی از استان زنجان، از قبیل ساختار بناها، وسایل حمل و نقل، فرهنگ

داماد ممانعت کرد. با اهتمام ایشان در تألیف این اثر، علاوه بر این که درس های مرحوم محقق به کتابت کشیده شد، حلقه مفقودی در تاریخ معاصر اصول فقه شیعه هم کشف شد؛ زیرا از عصر شیخ مرتضی انصاری تاکنون، هر کدام از اصولیان بزرگ حوزه، خشتی بر بنای این دانش افزودند و تاریخ اصول فقه با توجه به آرای همه آنها قابل درک است. اما فقدان آرای محقق داماد، خود نقصی برای تاریخ این دانش بود و هم اکنون با نشر المحاضرات، این نقص مرتفع شده است.

اهمیت کتاب المحاضرات را از چند طریق، بهتر می توان درک کرد: یکی پی بردن به جایگاه و موقعیت آیت الله محقق و دوم بررسی محتوا و مطالب کتاب و سوم تأثیر آن در مکتب اصولی آینده. مرحوم سید محمد محقق داماد در ۱۳۲۳ق در اردکان یزد متولد شد و پس از گذراندن مراحل درسی اولیه و متوسطه در حوزه علمیه آن منطقه، به قم هجرت کرد. این، در زمانی بود که حوزه علمیه قم توسط شیخ عبدالکریم حائری یزدی سامان جدیدی یافته بود. مرحوم محقق داماد از شاگردان و نزدیکان مرحوم حائری بود.

آیت الله حائری تأسیس حوزه و بازسازی روحانیت را از ضرورت های جدی در تاریخ و فرهنگ شیعه و ایران می دانست و تمامی تلاش خود را مصروف تحقق این خط مشی نمود. پس از تأسیس حوزه و تجدید سازمان آن، ضرورت جدی دیگری رخ نمود و آن تربیت افرادی بود که بتوانند حاملان این رسالت و مجری این خط مشی و ادامه دهنده این راه باشند. پس از رحلت آیت الله حائری، مرحوم محقق داماد تمامی نیروی خود را برای این منظور، یعنی تربیت افراد بسیج کرد. جایگاه تاریخی مرحوم محقق به گونه ای است که اگر از تاریخ معاصر حذف شود، اهداف آیت الله حائری در تأسیس حوزه، ابتر و بی حاصل می نماید و حوزه، سازمانی بدون نیروی انسانی کافی، خواهد بود.

از این نگاه، کتاب المحاضرات به عنوان درس هایی برای توسعه فرهنگ حقوقی شیعه به ویژه ایجاد زیرساخت ها و زیربنایی های مستحکم برای آن اهمیت خود را نشان می دهد. نقش تاریخی مرحوم محقق نسبت به دوره آیت الله بروجردی این گونه است که اگر آیت الله محقق و دو تن از همراهان او یعنی آیت الله صدر و آیت الله خوانساری نبودند، علاوه بر این که زحمات آیت الله حائری آسیب پذیر می شد، موفقیت های آیت الله بروجردی هم امکان تحقق نداشت؛ زیرا دوره آیت الله بروجردی را باید دوره بسط بیرونی اقتدار شیعه در ایران دانست.

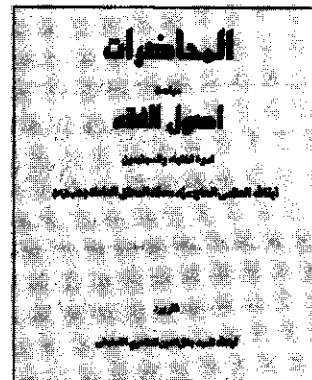
است: «آن طوری که گفته می شد: جسد حدود ۵۰۰ نفر به بازوی عرضی پرتاب شده بودند تا با مساعد شدن شرایط موجود، دفن شوند.»

ظاهراً عبارت «بازوی عرضی» ترجمه تحت اللفظی است و مراد نویسنده بیان نشده است. با توجه به قرائن موجود، گویا مراد او «دره» است.

۷. رسم الخط «قلم بدر» که جهت تایپ متن استفاده شده، عربی است. جادداشت از قلمی فارسی مانند «زر» استفاده می شد. به هر حال کوشش گردآورنده محترم جای تقدیر دارد و ضمن دست مریزاد به ایشان منتظر آثار دیگر ایشان هستیم تا جامعه فرهنگی از ثمرات آنها بهره مند گردد. امید است این کتاب الگوی مناسبی برای کارهای مشابه برای استان های دیگر باشد.

سید حسن فاطمی

المحاضرات مباحث اصول الفقه. قدوة الفقهاء والمجتهدين آية الله العظمى الحاج سيد محمد المحقق داماد (طاب ثراه)، تقرير: آية الله السيد جلال الدين الطاهري الاصفهاني، ج ۳، ۴۷۹ + ۵۷۳ + ۵۲۲



اخيراً کتابی با عنوان المحاضرات: مباحث فی اصول فقه به بازار نشر دینی آمد. این اثر در واقع درس های آیت الله سید محمد محقق داماد است که توسط آیت الله سید جلال الدین طاهری اصفهانی در سه جلد تقریر (نگارش) شده است. مشهور است که مرحوم محقق داماد به تدریس و تربیت شاگرد اهتمام ویژه داشت. به همین دلیل آثار قلمی او کم است. زیرا انرژی خود را مصروف درس و بحث تا تدوین و تألیف می نمود.

این اثر اولین کتابی است که تجربیات درسی و آرای اصولی او را گزارش می کند. باید همت آقای طاهری را ستود که از به هدر رفتن چند دهه تلاش علمی استادش، یعنی مرحوم محقق

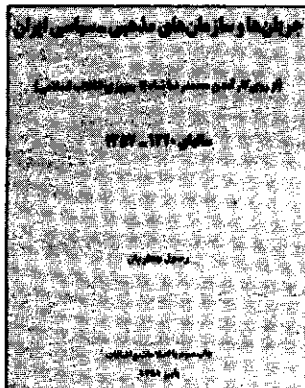
تلاش های وفاداران به مکتب اصولی شیخ انصاری دانش اصول فقه در شیعه بسیار گسترش یافت. ولی متأسفانه این دانش پیشرفته به جهان کمتر معرفی شده و در بین مکاتب حقوقی جهان ناشناخته مانده است. امید است با چاپ این گونه آثار، نظرات بزرگان این مکتب هم چون محقق داماد در کنار فیلسوفان حقوق بزرگ جهان قرار گیرد.

از نگاه آینده دانش اصول فقه، قطعاً کتاب المحاضرات منبع مفیدی برای استادان و دانشجویان و پژوهشگران این دانش است؛ زیرا نمایانگر آرای یکی از استوانه های این علم است. از این نظر کتاب المحاضرات در زمره آثار مرجع در این رشته محسوب می شود.

در پایان گفتنی است که چاپ کتاب نواقصی هم دارد که امید است در چاپ آینده مرتفع گردد و بر فایده آن بیفزاید. از جمله مقدمه ای تحلیلی و جامع درباره مرحوم محقق داماد و جایگاه تاریخی، آرای اصولی او و نقش علمی او ندارد؛ فهرستواره ای جامع در پایان کتاب نیامده است؛ هم چنین بازنگری برای تصحیح باره ای اغلاط مطبعی ضرورت دارد.

محمد نوری

● جریان ها و سازمان های مذهبی-سیاسی ایران، سال های ۱۳۲۰-۱۳۵۷، رسول جعفریان، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱، ۶۰۰ ص، وزیری.



پس از شهریور ۱۳۲۰ با از میان رفتن دوره ای که در آن بر عدم تشکیل انجمن ها اعم از سیاسی و مذهبی تأکید شده بود، تشکل ها اندک اندک شکل می گیرند. بخشی از این گونه مجامع در قالب مذهب به فعالیت می پردازند که البته در ابتدا هیچ یک از آنها در اندیشه ورود به میدان سیاست نیستند و تنها در پی آن هستند تا در موقعیت به دست آمده در احیای دین و هماهنگ ساختن آن با دنیای

توسعه اقتدار بدون نیروی انسانی ممهد امکان پذیر نیست. از این رو، آیت الله حائری به ایجاد سازمان پرداخت؛ آیت الله محقق در پرورش نیروی لازم اهتمام ورزیدند، و در دوره آیت الله بروجردی بسط اقتدار شیعه آغاز شد.

اهمیت کتاب المحاضرات از نگاه درونی و بررسی مطالب و محتوای آن نیز قابل توجه است. اولین شاخص در اهمیت آن، این است که عالمان گذشته، آگاهانه یا ناخودآگاه با تکیه بر اصول فقه در صدد تقویت اجتهاد به عنوان مهم ترین عامل در تداوم شریعت بوده اند. به ویژه در دوره ای که توسعه و نوسازی ایران آغاز شده و ده ها مقوله جدید وارد زندگی مردم شده و کل جامعه شتابان به سوی مدرن شدن پیش می رفت. در چنین وضعیتی که ده ها مسئله نو پیدا می شد، تنها با اجتهاد کارآمدی که متکی بر دانش اصول فقه بود، گره گشایی میسر بود.

بعضی پرداختن به مباحث اصول را با توجه به کثرت و تطویل آنها، غیر مفید، زاید و فریبی زیان آور قلمداد کرده اند. اما وقتی از نگاه ضرورت مزبور بررسی شود و اصول فقه را دانشی در خدمت تقویت بنیه های اجتهاد و برای پویایی شریعت بدانیم، داوری ها عوض می شود.

ترتیب مباحث جلد اول این گونه است: مقدمه که شامل بررسی مسائلی هم چون تعریف و غایت علم اصول فقه، وضع، استعمال مجازی و مشتق است. پس از مقدمه مباحث در پنج بخش سامان دهی شده است: اوامر، نواحي، مفاهیم، عام و خاص، مطلق و مقید و مجمل و مبین.

جلد دوم ابتدا به امارات عقلی و شرعی می پردازد، آن گاه وارد احکام قطع شده و مسائلی هم چون، حجیت قطع، تجری و قطع اجمالی را بررسی می کند. سپس مباحث ظن را در چند فصل تحلیل کرده است.

بخش بعدی این جلد، اصول عملیه است و از براهت آغاز می شود. جلد سوم با بررسی استصحاب آغاز می شود که بیشترین حجم کتاب را به خود اختصاص می دهد. آن گاه بخشی به تعارض ادله و امارات اختصاص می یابد.

خاتمه کتاب اجتهاد و تقلید است که با تعریف اجتهاد آغاز شده، با احکام عدول پایان می پذیرد.

سبک و سیاق مباحث کتاب و روش بررسی آن در چارچوب مکتب اصولی شیخ انصاری است و بسیار از آن مکتب متأثر است. هر چند گاه نوآوری های جزئی دارد. این اثر یک نمونه از پیشرفت دانش اصول فقه است؛ زیرا با

قابل تأمل است، اما نویسنده در توضیح روندها و دستاوردهای مورد بحث، ضعف تحلیلی آشکاری را از خود بروز می‌دهد؛ موجود نبودن مبنای نظری و استوار و یکپارچه در تعاریف و تصاویر ارائه شده و شتابزدگی در عدم ارتباط منطقی پاراگراف‌ها و شیوه‌ارجاع به مآخذ کاملاً مشهود است؛ مطالب یک بار در پاورقی و در جایی دیگر در متن منعکس شده (ص ۵۴ با ص ۵۵؛ ص ۵۶ با ۵۷ و ...) و گاه مطالب یک پاورقی عیناً در پانویس پیشین آمده است.

تعداد فراوانی از زیرنویس‌ها به شدت نامربوط است و نشان از آن دارد که مؤلف کتاب در پی آن نبوده تا نظریه‌ای جامع عرضه کند و پرتوی تازه به برخی از تاریکی‌های تاریخ معاصر بیفکند و تنها قصد داشته تا آگاهی‌هایش را سرانجام در جایی به مصرف رساند. تداخل مباحث در یکدیگر و روی نمودن بررسی‌های بخش‌ها در یکدیگر به چشم می‌خورد؛ همانند بررسی سالنامه و نشریه نور دانش (ص ۳۰-۳۳) و مجلات حوزوی (ص ۱۶۹-۱۷۶) که باید در مبحث مطبوعات دینی درج می‌شدند و یا بحث خرافه که بارها تکرار می‌شود (ص ۳۴۴).

خواننده با یک نگاه کوتاه درمی‌یابد که مطالب تنها ملاحظاتی است که به تضاریق گرد آمده و مباحث گوناگون ابتدا به صورت نامنظم به نگارش درآمده و سپس بنا بر احتیاج و سلیقه بخش‌ها را تیتربندی کرده و عنوان هر قسمت را چیزی نام نهاده‌اند، اما مطالب در جای اصلی خود قرار نگرفته و به عنوان مثال در بحث تشکل‌های مذهبی-سیاسی تهران به جمعیت اتحاد و ترقی مسلمین برمی‌خوریم (ص ۵۲) که باید در بخش شهرستان‌ها ذکر شود. روی آوردن به کتابشناسی و شخصیت‌شناسی به جای نمایاندن سیر اندیشه رهبران تشکل‌ها، تفسیر رهبران مجامع مذهبی از دین، رویارویی‌ها و تعامل آنان با اندیشه‌های نو و این که هر تشکل برای پاسخ‌گویی به چه پرسشی و برآوردن چه نیازی برآمده و عملکرد، آرا، آثار و مواضع آنها در قبال تحولات چه بوده و ارائه آگاهی‌های پراکنده درباره شخصیت‌ها و فعالیت‌های مطبوعاتی آنان، توضیح واضحات، بیان نسبت‌های خانوادگی، پرداختن به مسائل جزئی همانند آن که دفتر فلان حزب در کدام سوی خیابان قرار داشته و ابیاتی که افراد در وصف یکدیگر و احزاب دیگر سروده‌اند (ص ۴۸، ۳۵۴ و ...)، ذکر فهرست‌های طویل از کتاب‌های نامربوط به بحث و نقل فهرست مطالب کتاب‌ها و جزوه‌ها، درج مطالب منقول از این و آن به صورت گسترده و طولانی، جا را برای بحث‌های ریشه‌ای و اصلی به شدت تنگ نموده است.

جدید بکوشند و آسیب‌های دوره گذشته را که بر اثر جداسازی مذهب و حکومت و تضعیف روحانیت پیش آمده بود، جبران کنند. کتاب حاضر در صدد شرح چگونگی رشد و برآمدن نهضت‌ها و تشکل‌هایی است که دارای این دو وجه سیاسی و مذهبی بوده و در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ پدید آمده‌اند، برآمده و شناختی از افکار مؤسسان این گروه‌ها، نظرگاه آنان نسبت به روحانیت و هدف نهایی ایشان را به دست می‌دهد.

فصل نخست بازگشت دین به عرصه جامعه و سیاست را مورد بررسی قرار می‌دهد در فصل دوم که ورود حوزه و مرجعیت در عرصه سیاست نام دارد، به پدیده مراجع محلی و موضع‌گیری‌های گوناگون مرجعیت در قبال تحولات اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. فصل سوم به جریان‌های مذهبی-سیاسی فعال دهه ۴۰ تا اوائل دهه ۵۰ اختصاص دارد و احزاب این دوره را یک یک معرفی و مورد نقد و مطالعه قرار می‌دهد. فصل چهارم با عنوان دو سازمان و جریان موازی: سازمان مجاهدین و دکتر علی شریعتی به صورت مفصل به این دو مقوله روی می‌آورد و پنجمین فصل، از فعالان مذهبی-سیاسی در آستانه انقلاب اسلامی سخن به میان می‌آورد.

کتاب پیش رو در چاپ نخست از حجم بسیار اندکی نسبت به ویرایش‌های بعدی برخوردار بود و مؤلف پس از دستیابی به چند آرشو مطبوعات و به دست آوردن نشریات دهه بیست و سی و آگاهی از نظرات خوانندگان به تغییراتی در برخی موضع‌گیری‌ها و مطالب تاریخی پرداخت و افزایش قابل ملاحظه‌ای در بخش‌های گوناگون کتاب داد. حاصل این اصلاحات به عنوان ویرایش دوم به بازار کتاب عرضه شد. اکنون با فاصله‌ای بسیار اندک از دو چاپ پیشین ویرایش سوم این اثر در قالبی نه چندان متفاوت انتشار می‌یابد. تعویض شالوده کتاب‌های سفارشی هر چند قابل پیش‌بینی است، ولی از اعتماد خواننده می‌کاهد و بر شتابزدگی مؤلف تأکید می‌ورزد و علاوه بر این سندی تاریخی است برای حوصله‌ناشران قوی دست‌آوردی که حاضرند بارها و بارها از فیلم و زینگ پیشین درگذرند و به هزینه‌ای تازه تن در دهند.

این کتاب با وجود ویرایش‌های متعددی که در آن صورت گرفته و به رغم دستیابی به چند پرونده موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی و آرشو ارزشمند علامه روضاتی، دستاورد چندانی ندارد؛ به طوری که خواننده تنها به نام و مؤسس بسیاری از احزاب برمی‌خورد، در حالی که درباره فداییان اسلام و سازمان مجاهدین و دکتر شریعتی که کتاب‌های مستقل و خوبی به نگارش درآمده صفحات بسیار و فصل‌های جداگانه‌ای اختصاص داده شده است. گستره استفاده از اسناد بسیار به جا و

راه یافتن مسائلی مانند اینکه فلانی با بدها در افتاد و خیلی خوب بود و آفرین بر او باد و فلانی بد بود ولی نماز هم می‌خواند و ان شاء... خدا از او درگذرد و آن که فلانی جنایتکار بود و بنابراین لعنت بر او باد، تأسف‌آور است. البته این حق هر کسی است که از دیدگاه و نظری دفاع کند و یا بر آن خرده بگیرد، اما به شرط آن که شهادت نقد بزرگان را نیز داشته باشد. اظهار تعجب از این که چرا کتابی که با عقاید من ناسازگاری دارد، مجوز نشر گرفته (ص ۳۴۵) و داوری‌های طولانی درباره اشخاص، انسان را به یاد مالک بهشت و دوزخ می‌اندازد، نه تاریخ‌نگری که در پی تحلیل وقایع تاریخی میهن خویش است. غالب شدن تعصب، حسد و احساسات بر علمی‌نگری و تاریخ‌اندیشی دستمایه‌ای جز این به بار نخواهد آورد.

چه خوب بود که مؤلف زمان بررسی عملکرد اجتماعی و فرهنگی ما در طی سی و هفت سال و تأثیر آن در خط سیاسی کشور را محدودتر می‌نمود تا بتواند روانشناسی و ماهیت راستین جنبش‌های مذهبی-سیاسی را به دست دهد و هم در بخش‌هایی که بیشتر درباره آنها مطالعه داشته و غالباً جدیدتر و به زمان ما نزدیک‌ترند، اطلاعات جامع‌تری ارائه دهد تا آن که برای رفع سردرگمی به شرح نسبت‌های خانوادگی افراد روی آورد، یا به برداشت پیشینه مطالب از مجلات آیین اسلام، دنیای اسلام، نور دانش، هفتاد سال خاطرات آقای بدلا و منابع دست‌دومی همچون فصل‌نامه یاد پردازد.

اصولاً ارتباط دینی و دینی-سیاسی نیز همچون دیگر روابط جامعه بشری دارای بخش‌های جداگانه‌ای است که برای تحلیل درست این ارتباط باید به شناخت و تجزیه و تحلیل کامل این اجزا پرداخته شود. ابتدا آفرینندگان پیام اعم از چهره‌های منفرد، گروه‌ها، مؤسسات و نهادها که پیامی را بنابر مقتضیات زمان خلق و منتشر می‌کنند. مؤلف در این کتاب تعدادی از انجمن‌ها را تنها از اعلامیه‌های تسلیتی که در نشریه آیین اسلام به چاپ رسانده‌اند، شناسانده و طبعاً برای معرفی آن شکل به نام انجمن و امضای موجود در پایان آن اشاره شده است!

از طرفی هر انجمن و مجمعی دارای پیامی است که آن را در قالب متن، عبارت و تصویر انتقال می‌دهد. در کتاب حاضر گزینش پیام‌ها براساس چه شیوه‌نامه‌ای صورت گرفته که این چنین به دفترچه یادداشت‌های شخصی شباهت پیدا کرده است؟ گاه‌گاهی به روزنامه‌های کهن افکندن و ذیل نام هر شخص نام یکی دو مقاله از او را آوردن در پی ارائه چه تحلیلی است؟

پیام نهایی مدارس دینی چه بوده و اصولاً چرا چنین مدارسی پدید آمدند؟ آیا تأسیس این‌گونه مدرسه‌ها در فراخور حال یا وظیفه حوزه علمیه بوده است؟ جریانات حسنیة ارشاد سرانجام

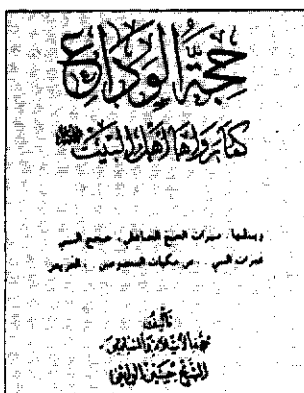
چه پیامی برای جوانان به ارمغان آورد و دکتر شریعتی که به جای بیان جریان فکری و عملی او به تقابل وی با شهید مطهری پرداخته شده، براساس چه پیامی دستاوردهای جدید را در بازسازی وجه خود به کار نگرفت و به استفاده از تمدن جدید با تغییراتی برای بیان مذهب پرداخت؟

مجرای درست انتقال پیام از سوی تشکل‌ها به مخاطبان رسانه است و یکی از رسانه‌های مورد استفاده در آن سال‌ها چاپ و نشر در دو قالب مقالات دینی در مجلات گوناگون و مطبوعات اختصاصی مذهبی است. در این کتاب تنها به مطبوعات کاملاً دینی پرداخته شده و برخی از آنها را نیز به واسطه و از دیگر منابع به خواننده می‌شناساند؛ چنانکه مجله «نور دانش» را به وسیله نشریه آیین اسلام و مطبوعات جدید پس از ۱۳۵۷ معرفی می‌نماید. از دیگر ویژگی‌های این بحث اکتفا به ذکر اعضای شورای تحریریه مجله و نام بردن از عناوین چند مقاله است، در حالی که خواننده چنین بخش پر اهمیتی باید دریابد که حوزه‌های علمیه در طی آن سال‌ها دارای چه گفتمانی بوده‌اند؛ نویسندگان اصلی نشریات چه کسانی بوده‌اند؛ موضوعات اصلی مطرح شده در نشریات حوزوی و دینی چه بوده است؛ آنها چه مقدار دستخوش تغییرات و موج مدرنیته بوده‌اند و خوانندگان چه کسانی بوده‌اند.

توفیق نویسنده را برای ویراست‌های بعدی اثر حاضر از خداوند خواستارم.

محمد رضا زاده‌وش
* چاپ پنجم این کتاب با اصلاحات و افزوده‌های فراوان با ۹۰۰ صفحه در دست انتشار می‌باشد. آینه پژوهش

حجةالوداع كما رواها أهل البيت(ع)، حسین واثقی، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، قم، چاپ اول، عربی، ۶۰۰ ص.



پس از آن که پیامبر اسلام از مکه به مدینه هجرت کرد- به جز عمره‌ها- فقط یک بار برای حج به مکه سفر کرد. کتاب

این سفر را موقعیتی استثنایی و گرانبها تلقی می کردند و با شور و شوق فزون از حد برای حضور در آن کمر همت بستند. نشاط عمومی، چنان جمعیت انبوهی گرد آورد که تا آن روز نه مکه به خود دیده بود و نه افراد مسلمان در چنان دریای متلاطم انسانی خود را شناور دیده بودند.

حجۃالوداع به واقع یک اردوی زیارتی، آموزشی و سیاسی بود. وجهه زیارتی آن روشن است و نیاز به بیان ندارد. اما بعد آموزشی و تعلیمی آن بدان سبب است که پیامبر در این سفر از هر فرصتی برای تبلیغ دین خدا و آموختن شیوه زندگی انسانی و راه بندگی الهی به مردم بهره برد، و امور سرنوشت ساز و مهم را یک بار دیگر به مسلمانان یادآوری نمود. و این افزون بر آموزش مناسک حج بود که وجهه نظر آن بزرگوار در این سفر بود.

آن سفر بعد سیاسی نیز می یافت؛ زیرا بودند کسانی که شکست نهضت نوپای اسلام و بازگشت به آیین جاهلی را آرزو می کردند. دشمنان گرچه ضعیف شده بودند اما زمینه فتنه ها به کلی از بین نرفته بود. در چنین فضای سیاسی، حرکت داوطلبانه و عاشقانه انبوه مسلمانان از مدینه تا مکه و تا مشاعر مقدسه و بالعکس، در حقیقت یک نمایش قدرت و شکوه مسلمانان به حساب می آمد و به تعبیر امروزی یک تظاهرات عمومی و یک رژه غیر نظامی تلقی می شد که دل نو مسلمانان را محکم می ساخت و بر یأس منافقان و مشرکان می افزود.

اهمیت موضوع سبب شده است که مؤلف به تألیف این کتاب همت گمارد و کتاب را که شامل مباحث زیر است به دانشیان تقدیم کند.

بخش اول کتاب (ص ۵-۹۵) که با مقدمه آغاز می شود شامل این مباحث است: اعلام عمومی حج در میان مسلمانان، حج آن سال در چه موقع از سال شمسی برگزار شد؟ حاکم موقت مدینه در غیاب پیامبر، تاریخ حرکت پیامبر از مدینه، آیا فقط مسجد شجره میقات است یا همه منطقه ذوالحلیفه؟ احرام پیامبر و آداب آن، آیا پیامبر شب را در ذوالحلیفه سپری کرد؟ آیا پیامبر حج تمتع انجام داد؟ زایمان اسماء بنت عمیس در میقات، مکان های استراحت پیامبر بین مدینه و مکه، خاطرات روزهای در راه، پیامبر فاصله مدینه تا مکه را چند روز پیمود؟

در بخش دوم (ص ۹۶-۱۶۸) این مباحث آمده است: ورود پیامبر به مکه، ورود پیامبر به مسجد الحرام و طواف، نماز طواف، مقام ابراهیم چیست؟ جابه جایی مقام ابراهیم، لمس حجرالاسود، نوشیدن از زمزم، سعی بین صفا و مروه، نزول

«حجۃالوداع» کما رواها اهل البیت (ع) شرح وقایع این سفر و اولین کتابی است که بر مبنای روایات شیعی به این موضوع پرداخته است و جای جای برای مقایسه، روایات اهل سنت را نیز می آورد.

می دانیم زیارت کعبه از دیرباز در میان مردمان عرب مرسوم بود و آنان از دور و نزدیک بدان سو بار سفر می بستند، و در زمانی خاص در مکه حاضر می شدند و در سرزمین های اطراف آن وقف می کردند.

روایاتی پراکنده از حج پیامبران کهن در دست است، اما آنچه قرآن و روایات به صراحت بر آن دلالت دارند، این است که زیارت کعبه از زمان حضرت ابراهیم (ع) رسمیت یافت و از آن پس به صورت آیینی مذهبی درآمد که مردم بدان حاضر می شدند. این مراسم عبادی در طول اعصار و قرون، با فراز و فرودها و رونق و کسادها پیوسته ادامه یافت تا آن هنگام که اسلام طلوع کرد.

در بیست ساله نخست دعوت اسلامی، حج به همان شیوه پیشین ادامه یافت، زیرا زمام کار به دست قریش بود. در سال نهم هجری که مکه زیر فرمان پیامبر بود تغییراتی در مقررات حج داده شد، اما حجی که بتوان آن را اسلامی دانست و معیار و قانون برای مسلمانان نسل های بعد به حساب آورد، همان است که در سال دهم هجری با حضور پیامبر گرامی اسلام انجام شد؛ زیرا پیامبر مصمم بود مناسک حج را خالص و ناب به مردم بیاموزد و آنچه را در طول تاریخ، مشرکان بر آن افزوده یا از آن کاسته بودند، هویدا کند.

گرچه هر گوشه حیات پیامبر برای ما دارای ارزش است، چرا که او مشعل هدایت و پیشوای راهیان کوی خداست، لیکن یکی از نقاط برجسته و ممتاز دوره پیامبری حضرت محمد (ص) واپسین سفر حج آن جناب است که دو سه ماه مانده به پایان عمر خود انجام داد.

شخص پیامبر به آن حج اهمیت بسیار داد و مسلمانان را به حضور در آن تشویق فرمود. مسلمانان نیز بدان بهای بسیار دادند و همدیگر را به حضور در آن فراخواندند؛ زیرا پس از سپری کردن فراز و نشیب ها، گذر از موانع و مشکلات، پشت سر نهادن رنج ها و جنگ ها، تحمل قحطی ها و گرسنگی ها، دیدن تنهایی ها و ناامنی ها و ... اکنون شاهد دوره بلوغ دین و رونق اسلام و گسترش دعوت محمدی و روی آوردن سیل آسای مردم به آیین توحیدی بودند. به همین سبب

۷. حرام بودن عمره در موسم حج، ۸. حرام بودن ورود مُحرم از در به خانه، ۹. کوچ از عرفات با شتاب، ۱۰. جابه‌جا کردن ماه‌های حج و ماه‌های حرام.

در پایان این بخش سخن می‌رود از: تفاوت ماه‌های حج با ماه‌های حرام، حلال بودن تجارت در موسم حج، سعی بین صفا و مروه از شعائر الهی است نه از نشانه‌های حج جاهلی.

در بخش ششم (ص ۴۳۱-۴۳۶) به تعداد حج‌های پیامبر پیش از هجرت پرداخته شده است.

بخش هفتم (ص ۴۳۷-۴۶۲) کنکاشی است درباره‌ی عمره‌های سه‌گانه پیامبر پس از هجرت: عمره‌ی نایب، عمره‌ی القضاء، عمره‌ی پس از جنگ حنین و عمره‌ی چهارم را منتفی دانسته است.

در بخش هشتم (ص ۴۶۳-۵۲۸) به خاطرات و دعا‌هایی از معصومین در مکه پرداخته شده است.

در بخش نهم (ص ۵۲۹-۵۳۱) چهار راهنمایی و دستورالعمل از آیت‌الله حسن‌زاده‌ی آملی آمده است.

در بخش دهم (ص ۵۳۳-۵۴۳) عده‌ای از بسیار حج‌کنندگان شیعه ذکر شده است.

بخش یازدهم (ص ۵۴۳-۵۴۷) اجزایی از طرحی بزرگ درباره‌ی «نقش شیعیان در حج و در حریم شریفین» ذکر شده است؛ مانند برخی از شیعیانی که در راه حج مردند، برخی از علمای شیعه که در مکه و مدینه دفن شده‌اند.

بخش دوازدهم (ص ۵۵۰-۵۶۸) مقاله‌ای است درباره‌ی «عریض» مزرعه‌ای که متعلق به امام باقر بوده و سپس به امام صادق منتقل شده و حضرت آن را به کوچک‌ترین پسرشان علی بن جعفر بخشیدند و به همین سبب اولاد و نوادگان او لقب «عریضی» گرفته‌اند. این مزرعه تفریحگاه ائمه اطهار بوده و قبر علی بن جعفر در آن جاست که متأسفانه دو سال پیش آثار باقی‌مانده آن تخریب شد.

فهرست مصادر کتاب (ص ۵۶۹-۵۹۱) که شامل نزدیک به سیصد منبع قدیم و جدید است، نشانگر تتبع گسترده مؤلف برای پدید آوردن اثری جامع در زمینه حج‌الوداع است. جالی خالی این کتاب در زبان فارسی نیز مشهود و محسوس است. امید است مؤلف که به دو زبان فارسی و عربی آشناست، بدان پردازد.

محمدحسین کمال



جبرئیل و تشریح حج تمتع پس از پایان سعی، تعجب اصحاب از این نوع حج، چرایی تشریح این گونه حج، مبارزه خلیفه دوم با حج تمتع، پوشاندن کعبه توسط پیامبر، پوشش کعبه در دوره خلافت امیرالمؤمنین، سفارش اهل مکه به مهربانی با حجاج، حضور زنان و کودکان در حج، آمدن امیرالمؤمنین از یمن به مکه، آیا پیامبر وارد کعبه شد؟ منزل کردن رسول‌الله در خیمه در بیرون شهر.

بخش سوم کتاب (ص ۱۶۹-۳۱۷) که به حضور پیامبر در مواقع مشرفه اختصاص یافته به این مباحث پرداخته است: حرکت به سوی عرفات، در عرفات، سخنرانی مهم رسول‌الله در عرفات و نگاهی دوباره به آن، دعا‌های حضرت در عرفات، پیامبر در کجا تلبیه را قطع کرد؟ حرکت از عرفات به سوی مشعر، سخنان و احوال حضرت در مشعر، اهمیت ذکر الهی در حج و در مشعرالحرام، معنای «ایام معدودات» و «ایام معلومات»، مشعرالحرام، مزدلفه، جمع و قُرح نام‌های کجاست؟ به سوی منی، هر وکه به هنگام عبور از وادی محسر، صد شتر قربانی پیامبر و امیرالمؤمنین، آیا نهی از ذخیره کردن گوشت‌های قربانی در حجة‌الوداع بود؟ سر تراشیدن پیامبر، طواف کعبه در روز عید، سخنرانی‌های پیامبر در منی، سخنرانی حضرت درباره‌ی آخر الزمان، نماز شکسته پیامبر در منی، کوچ از منی در روز سیزدهم، پیامبر در محصب، آیا بعضی از حجر اسماعیل جزء کعبه است؟ سخنان و خاطراتی از پیامبر در حجة‌الوداع.

بخش چهارم (ص ۳۱۸-۳۴۲) به بازگشت به مدینه می‌پردازد و از داستان غدیر خم، حوادث بازگشت، خوابیدن در معرس، عدد حجاج آن سال و ورود حضرت به مدینه بحث می‌کند.

در بخش پنجم (ص ۳۴۳-۳۷۲) مقایسه‌ای انجام شده بین روایت بلند جابر انصاری که در کتب اهل سنت آمده است، و بین صحیح‌ه بلند معاویه بن عمار از امام صادق (ع) که در کتب شیعه وارد شده است. در حقیقت آن دو یک روایت، و گزارش فشرده حج‌الوداع است.

در بخش ششم (ص ۳۷۳-۴۳۰) به تفاوت‌های دهگانه حج دوره جاهلیت با حج اسلام می‌پردازد به این ترتیب: ۱. طواف برهنگان، ۲. لبیک مشرکان، ۳. وقوف نکردن قریش به عرفات، ۴. کوچ از عرفات پیش از غروب آفتاب، ۵. کوچ از مشعر پس از برآمدن آفتاب، ۶. تفاخر به نیاکان در منی،